



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

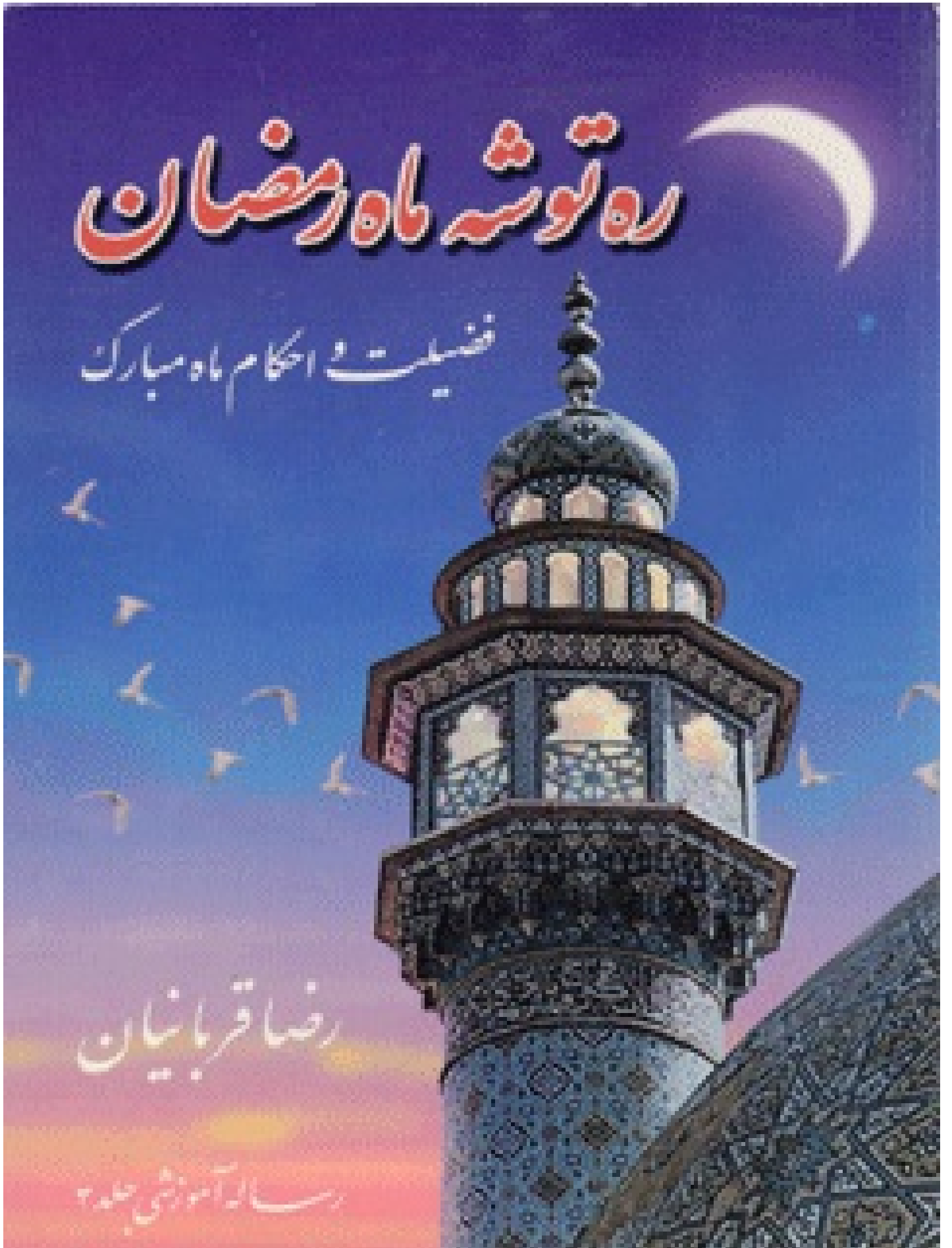
www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

رہنوشہ ماہ رمضان

فضیلت و احکام ماہ مبارک

رضا قربانیان

رسالہ آموزشی علوم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ره توشه ماه رمضان فضيلت و احكام ماه رمضان

نويسنده:

رضا قربانيان

ناشر چاپي:

پيام عترت

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	ره توشه ماه رمضان فضیلت و احکام ماه رمضان
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۳	بخش اول : فضیلت روزه و ماه رمضان
۱۳	اشاره
۱۴	در آستانه ماه رمضان
۱۸	خطبه شعبانیه یا منشور تربیت و بندگی خدا در ماه رمضان
۲۰	اختصاصات یا امتیازات ماه رمضان
۳۸	پاداش و ثواب هر یک از روزه‌های ماه رمضان
۵۵	ماه رمضان از نفعات ایام است:
۵۷	آثار و فواید روزه:
۶۵	روزه حقیقی
۶۷	اقسام روزه
۶۹	اصناف روزه داران از نظر نحوه روزه داری
۷۶	کتمان روزه
۷۷	سحرخیزی و سحری خوردن
۷۷	استراحت در روز و خواب قیلوله:
۷۸	برخی از آداب روزه
۷۸	نظافت و پاکیزگی و معطر بودن
۷۹	افطار کردن و افطاری دادن
۸۰	اذکار و ادعیه هنگام افطار
۸۲	اعمال مخصوص ماه رمضان به طور مختصر
۸۸	پایان ماه رمضان

۹۳	بخش دوم : احکام روزه
۹۳	اشاره
۹۴	معنای روزه و رمضان
۹۷	روزی که رمضان بودن آن مشکوک است
۹۸	احکام نیت
۹۹	وقت نیت
۱۰۰	تعیین نوع روزه در نیت
۱۰۱	نیت روزه پیش از ظهر و بعد از نظر
۱۰۲	انواع روزه ها
۱۰۵	ضرر داشتن روزه
۱۰۶	کسانی که روزه بر آنها واجب نیست
۱۰۷	مبطلات روزه
۱۰۹	خوردن و آشامیدن
۱۱۱	جماع
۱۱۳	استمناء
۱۱۴	دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی الله علیه وآله
۱۱۶	رساندن غبار غلیظ به حلق
۱۱۷	فرو بردن سر در آب
۱۱۹	باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح
۱۲۲	اماله کردن
۱۲۲	قی کردن (استفراغ نمودن)
۱۲۴	احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند:
۱۳۳	مواردی که فقط قضای روزه واجب است (و کفاره ندارد):
۱۳۴	شخص پیر
۱۳۵	کسانی که علاوه بر قضای روزه باید برای هر روز یک مد طعام نیز کفاره بدهند.
۱۳۶	مواردی که یک کفاره واجب می شود

۱۳۷ ----- مواردی که کفاره جمع واجب می شود بنابر احتیاط واجب -----

۱۳۷ ----- اگر از چند ماه رمضان روزه قضا دارد -----

۱۴۰ ----- احکام روزه مسافر -----

۱۴۳ ----- زکات فطره -----

۱۴۵ ----- نماز عید فطر -----

۱۴۶ ----- وقایع ماه مبارک رمضان -----

۱۴۸ ----- درباره مرکز -----

ره توشه ماه رمضان فضیلت و احکام ماه رمضان

مشخصات کتاب

سرشناسه : قربانیان، رضا، - 1335

عنوان و نام پدیدآور : ره توشه ماه رمضان: فضیلت و احکام ماه رمضان/رضا قربانیان

مشخصات نشر : اصفهان: پیام عترت، 1380.

مشخصات ظاهری : ص 136

فروست : (رساله آموزشی 3)

شابک : 964-28-5636-05000ریال ؛ 964-28-5636-05000ریال ؛ 964-28-5636-05000ریال ؛ 964-28-5636-05000ریال ؛ 05000ریال

یادداشت : چاپ دوم: 1381؛ 5500 ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : روزه

فتوهای شیعه -- قرن 14

رده بندی کنگره : 188BP/ق936 1380

رده بندی دیویی : 297/354

شماره کتابشناسی ملی : م 80-16017

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

قربانیان، رضا، 1335 _

ره توشه ماه رمضان فضیلت و احکام ماه رمضان / رضا قربانیان _ اصفهان: پیام عترت، 1380.

136 ص

5000 ریال ISBN: 964-5636-28-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

1. روزه. 2. فتوهای شیعه _ قرن 14. الف. عنوان.

4 ق 305 ر / PIR 188

297/354

کتابخانه ملی ایران 16017_ 80 م

محل نگهداری

انتشارات پیام عترت

تلفن انتشارات و مرکز پخش: 0311 - 5542280 - 3367451

نام کتاب: ره توشه ماه رمضان

مؤلف: رضا قربانیان

ناشر: پیام عترت

نوبت و زمان چاپ: اول این ناشر / 1380

لیتوگرافی تصویر

چاپ: پردیس

چاپ جلد: شریف

صحافی: پیمان

قطع / تعداد: رقعی / 5000

شابک: 0 - 28 - 5636 - 965

قیمت: 500 تومان

کلیه حقوق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

ص: 2

بخش اول : فضیلت روزه و ماه رمضان

اشاره

ص: 5

یا ایّها الذّٰین آمنوا کُتِبَ علیکم الصّیام کما کُتِبَ علی الذّٰین من قبلکم لعلکم تتقون (1) ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته (واجب) شده است چنان که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شده، باشد که پرهیزکار شوید.

در آستانه ماه رمضان

آماده شدن برای ورود در ماه رمضان و استفاده کامل از سفره گسترده روحانی، الهی:

شیخ صدوق قدس سره در عیون الاخبار از ابوالصلت عبدالسلام بن صالح الهروی روایت کرده که گفت: در جمعه آخر شعبان به خدمت حضرت رضا علیه السلام رفتم، حضرت فرمود:

« ای اباصلت! اکثر ماه شعبان سپری شد و این آخرین جمعه آن است، بنابراین در باقی مانده این ماه تقصیرها و کوتاهی هایی که در ایام گذشته نموده ای را جبران نما و درصدد تدارک آن باش و نسبت به آنچه برای آخرت تو نافع و مفید است تلاش کن و بدان روی آور.

ص: 6

ای ابصالت! بر تو باد به کثرت تلاوت قرآن و استغفار بسیار و توبه در پیشگاه خداوند متعال از گناهان خود تا چون ماه مبارک رمضان فرا رسد، نزد خداوند خالص شده باشی.

و لا تدعن امانةً فی عنقك الا اديتها و في قلبك حقداً على مؤمن الا نزعته و لا ذنباً انت مرتکبه الا اقلعت عنه.

و (قبل از فرارسیدن ماه رمضان) هر نوع امانت (یا حق کسی) به گردن تو یا نزد تو می باشد ادانما (چیزی از حقوق یا امانت مردم را به گردن خود وامگذار).

و هیچ نوع کینه ای از مؤمن در قلب تو نباشد مگر آن که آن را کنده باشی (هر آنچه کینه و بددلی داری از باطن خود برطرف ساز).

و هیچ نوع گناهی که قبلاً به آن آلوده بودی در تو نباشد مگر آن که آن را کاملاً محو و نابود ساخته باشی (هر نوع گناهی مرتکب می شدی تا قبل از رسیدن ماه رمضان آن را از خود دور ساز).

واتق الله وتوکل علیه فی سرّ امرک و علانیتک و من یتوکل علی الله فهو حسبہ انّ الله بالغ امره قد جعل الله لكلّ شیءٍ قدراً.

و از خدا بترس (تقوی الهی داشته باش) در تمام امور پنهان و آشکار خود و بر او توکل نما که هر کس بر خدا توکل نماید و کار خود را به او واگذارد، خدا کفایت امر او خواهد کرد (خدا برای او کافی است) که خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است.

و این دعا را در بقیه ماه شعبان بسیار بخوان.

اللَّهُمَّ إِن لَمْ تَكُنْ غَفْرَتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ.

خدایا! اگر در آنچه که از ماه شعبان گذشته ما را نیامرزیده ای پس بیامرز ما را در باقی مانده ماه شعبان.

به درستی که حق تعالی در این ماه آزاد می گرداند بنده های بسیار را از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان.

در آستانه ماه رمضان رنگ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم متغیّر می شد؛ سید بن طاووس در کتاب اقبال روایت می کند از خلف بن ایوب عامری:

وَأَنَّكَ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ وَكَثُرَتْ صَلَوَاتُهُ وَابْتَهَلَ فِي الدُّعَاءِ وَاشْفَقَ مِنْهُ.

که چون ماه مبارک رمضان فرامی رسید رنگ رخسار مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم تغییر می کرد، و نماز خواندنش زیاد می شد، و در دعا و درخواست از حق تعالی بسیار تضرع و زاری می نمود و از خدا ترسان بود.

مرحوم صدوق از مرحوم سید بن طاووس نقل نموده که حضرت ادریس علیه السلام فرموده است:

إِذَا دَخَلْتُمْ فِي الصِّيَامِ فَطَهَّرُوا نَفُوسَكُمْ مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَنَجَسٍ وَصُومُوا لِلَّهِ بِقُلُوبٍ خَالِصَةٍ صَافِيَةٍ مَنْزَهَةٍ. (1)

وقتی وارد ماه رمضان شدید، پس وجودتان را از هر ناپاکی و پلیدی پاک نمایید و روزه بگیرید فقط برای خدا، با دلی خالص و قلبی نورانی و منزّه از

ص: 8

آلا، که مژده رحمت دهد هلال صیام *** هلا، که ماه عبادت رسید و وقت قیام
رسید آن مه اعظم که لیلة القدرش *** به از هزار مه و خوشتر از هزاران عام
بهار بندگی آغاز شد که از هر سوی *** رسد روایح گلزار معرفت به مشام
بین، دولت ماه مبارک رمضان *** به خلق آمده از خالق این چنین پیغام
جزای روزه منم چون که روزه بهر من است *** زهی شرافت صائم زهی علو مقام
ولی چه روزه؟ که الصُّومُ لی خدا فرموده *** کدام روزه که اجری به است در فرجام
به روزه دار حقیقی کجا اجازه دهند *** که خودسرانه بهر سو رود، گسسته لجام
حقیقتاً اگر میل روزه داری هست *** موظفی که کنی مستمند را اطعام
به گوش و چشم و دل، دست و پای روزه مدار *** وگرنه این هوس روزه است و فکری خام
کجاست روزه، گر افطار میکنی به حرام *** نمر ز خون کسان کرده ای تهیه طعام

کمال روزه در اینها که گفت: ه شد باشد *** شروط روزه کامل چنین شده اعلام

ز خواب غفلت اگر این زمان شوی بیدار *** سعادت دو جهان می بری از ماه صیام

خطبه شعبانیه یا منشور تربیت و بندگی خدا در ماه رمضان

احکام مقدّس اسلام و دستورات دینی، بر محور مصالح و مفاسد وضع شده و به منظور سلامتی و رشد انسان می باشد و هیچ حکمی بدون مصلحت و یا برحذر داشتن از مفسده وضع نگردیده؛ هر چیزی که مصلحتی داشته و نباید فوت شود واجب گردیده و هر کاری که مفسده ملزمه داشته و باید کنار گذاشته شود حرام گردیده و اگر مفسده دارد ولی ملزمه نیست یعنی ترک آن بهتر است، مکروه می باشد و نیز هر کاری که مصلحت دارد ولی از دست رفتن آن چندان مهمّ نیست بلکه پسندیده و بهتر است که انجام پذیرد مستحب می باشد. و در این زمینه شیعه معتقد به حسن و قبح عقلی می باشد؛ یعنی خوبی و بدی وجود دارد و عقل درک می کند مثلاً ظلم بد و مذموم می باشد و یتیم نوازی خوب و مطلوب است و «کَلِّمًا حَكَمَ بِهَ الْعَقْلِ حَكَمَ بِهَ الشَّرْعِ وَكَلِّمًا حَكَمَ بِهَ الشَّرْعِ حَكَمَ بِهَ الْعَقْلِ.»

پس هر حکمی از جانب خداوند حکیم مصلحتی دارد و این مصلحت نیز به خدا بر نمی گردد بلکه مانند معالجه طیب که در جهت مصلحت مریض است، احکام الهی به طور کامل در جهت صلاح و کمال و رشد بشر می باشد

و کوتاهی یا سرپیچی از احکام خداوند سود و زیانی برای خداوند ندارد.

فانَّ الله سبحانه و تعالی خلق الخلق - حين خلقهم - غنّياً عن طاعتهم، اَمِناً مِنْ معصيتهم لانه لا تضرّه معصية مَنْ عصاه و لا تنفعه طاعة من اطاعه. (1)

بنابراین سلامتی و رشد که تنها در بندگی محض خداوند تحقق می یابد یک اصل مهمّ و قابل توجه در نظام تربیتی و قانونگذاری اسلام است و تمام کمالات و رشد کامل انسان از همین رهگذر بندگی حاصل می شود و پای بندی نسبت به احکام و دستورات الهی باعث دوری از همه بیماریها و پیشگیری و معالجه کامل بشر خواهد گردید چنانچه در حکم روزه هم پیشگیری و هم معالجه بیماریها منظور گردیده و این حکم الهی و واجب دینی (کتب علیکم الصیام...) در اصل سلامتی فرد و جامعه و جسم و روح را تضمین می نماید هر چند ممکن است به دلیل خاصی گاهی روزه داری برای شخصی ضرر داشته باشد که در آن صورت همین حکم واجب برای آن شخص مریض حرام می گردد (2) زیرا منظور اصلی حفظ سلامتی انسان است. و خداوند متعال از این حکم، سختی و مشقّت انسانها را نخواست بلکه راحتی و آسانی را برای آنان اراده کرده است (یریدالله بکم الیسر و لایرید بکم العسر).

در آیات صیام، ابتدا به اصل و جوب (کتب علیکم الصیام...) و سپس به ماه رمضان و نزول قرآن و موضوع دعا تصریح گردیده؛ یعنی دستور روزه گرفتن و آنگاه ماه رمضان که حکم صیام در آن تحقق می یابد در این آیات مطرح

ص: 11

1- نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام، خطبه 184، ص 5

2- به توضیح المسائل (روزه های حرام و مکروه) مراجعه شود

می باشد و موضوع قرآن با خصوصیاتش و نیز موضوع دعا با مسائل خاص آن به عنوان دو عامل مهم در جهت تقرب به خدا با روزه داری مقرون گشته و در مجموع این آیات تعبیرهایی نظیر تقوی، علم، شکرگزاری و رشد در آخر آیات مطرح گردیده و با به کار رفتن موضوع تقوی در دو مرحله از این آیات به فلسفه روزه اشاره شده است (لعلکم تتقون_ ان کنتم تعلمون_ لعلکم تشکرون_ لعلهم یرشدون_ لعلهم یتقون) (1)

در خطبه (2) شعبانیه که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در آخرین جمعه ماه شعبان و در آستانه ماه مبارک رمضان ایراد فرمودند نیز پیرامون ماه رمضان مطالب بسیار ارزشمندی وجود دارد که در چند محور تقسیم می شود:

اختصاصات یا امتیازات ماه رمضان

الف: اختصاصات یا امتیازات ماه رمضان

1_ ماه خدا: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرَ اللَّهِ بِالْبِرَّةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ.

2_ برترین ماهها: (شهرٌ هو عند الله افضل الشهور)

3_ روزهای آن بهترین روزها: (و ایامه افضل الايام)

4_ شبهای آن بهترین شبها: (و لیالیه افضل اللیالی)

5_ ساعتهای آن بهترین ساعات: (وساعاته افضل الساعات)

ب: ارتباط با خدا و تقویت این نوع ارتباط حیاتی:

1_ مسئلت نمودن از خدا با صدق نیت و قلبی پاک (فاسئلواالله ربکم

ص: 12

1- بقره، 183 - 187

2- بحار الانوار، ج 96، ص 356 - عیون اخبار الرضا (ع)، ج 1، ص 230، ح 53 باب 28

بنیات صادق و قلوب طاهرة أن يوفقكم الله لصيامه و تلاوة كتابه)

2_ یادآوری قیامت: (و اذکروا بجوعکم و عطشکم فيه جوع يوم القيامة و عطشه)

3_ توبه نمودن از گناهان: (و توبوا الى الله من ذنوبکم)

4_ دعا: (و ارفعوا اليه ايديکم بالدعا في اوقات صلواتکم فانها افضل الساعات ينظر الله عزوجل فيها بالرحمة الى عباده و يجيبهم اذا ناجوه و يلبيهم اذا نادوه و يستجيب لهم اذا دعوه).

5- استغفار: (ايها الناس ان انفسکم مرهونة باعمالکم ففکوها باستغفارکم و ظهورکم ثقيلة من اوزارکم فخففوا عنها بطول سجودکم).

ج: وظائف ما در ماه رمضان (انتظار و توقعی که مؤسس مکتب، یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم که از روزه داران و مسلمانان دارند). (روابط انسانی و سلامت نگری فرد و جامعه اسلامی)

1_ دلجویی مالی از فقرا و مساکین (و تصدقوا على فقرائکم و مساکینکم). (1)

2_ احترام بزرگترها (و وقروا کبارکم)

ص: 13

1- هرگاه کلمه فقیر یا مسکین تنها استعمال شود به یک معنی است؛ یعنی بی چیز یا کسی که خرج و دخل او سازگار نیست و هنگامی که با هم ذکر شوند در این صورت فقیر به همان معنای مذکور است و مسکین به معنای کسی که اصلاً هیچ درآمدی ندارد ضمناً کلمه فقیر به کسی که ستون فقراتش شکسته باشد و قدرت قیام ندارد اطلاق می شود و به رخ داد تلخ و دندان شکن یا قطع نخاعی نیز فاقره می گویند

3_ تَرَحُّمِ نَسَبِ بِه كَوْچَكْتَرَهَا (وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ)

4_ صَلِّهِ رَحْمِ (وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ)

5_ حِفْظِ زَبَانِ (وَاحْفَظُوا سِنْتَكُمْ) (1)

ماه میهمانی خداوند کریم

شرافت هر چیزی به سبب خاصّی می باشد که به قول مرحوم تبریزی، صاحب کتاب «وقایع الاّیام» مثلاً شرافت آسمان هفتم به عرش و آسمان چهارم به بیت المعمور و مکه معظمه به بیت الله و مساجد به خداوند و مدینه به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلّم و نجف اشرف به امیرالمؤمنین علیه السلام و کربلا به سیدالشهدا علیه السلام است. همچنین است برخی از ازمنه مانند روز و شبهای جمعه و اعیاد، پس همان گونه که بهترین مکانها مکه می باشد و شرافتش به خاطر بیت الله بودن آن است، برترین زمانها نیز ماه مبارک رمضان بوده، که خداوند متعال از باب لطف و کرم خود، در بین مکانها، محل خاصی را ممتاز نمود و او را خانه خود و بیت الله نام نهاد تا بندگانش متوجه آن خانه شوند و از این رهگذر به فیض رحمانی و ارتقاء مقام معنوی نایل گردند و منادی و دعوت کننده آن خانه را خلیل خود، حضرت ابراهیم علیه السلام مقرر فرمود و برای دخول آن خانه ادب و آداب و مناسکی را قرار داد.

همین طور از بین زمانها زمان خاصی را اختیار نمود، یعنی ماه رمضان را که (هو عندالله افضل الشهور و ایامه افضل الاّیام ولیالیه افضل اللیالی و ساعاته افضل)

ص: 14

(ان نزد خداوند بهترین ماههاست و روزهای آن بهترین روزها و شبهای آن بهترین شبها و ساعات آن بهترین ساعات است).

این ماه مبارک، که شرافت و اهمیت فوق العاده اش به خاطر نزول قرآن مجید در آن است از سوی دیگر نسبتش به خداوند نیز بوده که شهرالله نام نهاد و فرمود شهر من است (الصَّوْمُ لِي) و منادی این شهر الله العظیم را حبیب خود، حضرت محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، قرار داد و امر فرمود که وعده خواهی نماید از جانب پروردگار برای میهمانی. (هو شهر دعيتم فيه الي ضيافة الله، و جعلتم فيه من اهل كرامة الله، انفاكم فيه تسبيح و نومكم فيه عبادة، و عملكم فيه مقبول، و دعاؤكم فيه مستجاب فاستلوا الله ربكم بنيات صادقة و قلوب ظاهرة ان يوفقكم الله لصيامه و تلاوة كتابه...).

ماه رمضان ماهی است که در آن به میهمانی خداوند دعوت شده اید (و بدین سبب) مورد مکرمات الهی قرار گرفته اید، نَفْسَهائتان در آن تسبیح خدا (ثواب تسبیح دارد) و خواب شما در این ماه عبادت است و عمل شما در این ماه پذیرفته و مقبول، و دعای شما مستجاب می باشد. پس با نیت خالص و دل پاک از پروردگار خود بخواهید تا شما را برای روزه این ماه و تلاوت قرآن مجید موفق دارد.

بنابراین همان گونه که دعوت شدگان به خانه خدا (مکّه مکرمه) باید مودّب به آداب خاصی باشند و رعایت ادب و شؤون ضیافت به درگاه ربوبی را بنمایند، میهمانان شهر الله، ماه رمضان، نیز لازم است رسم میهمانی و ضیافت را رعایت نموده و با ادب و توجه خاص وارد این شهر خدا شوند؛ یعنی لباس

چرکین و آلوده به گناه یازده ماهه را از قامت روح خود برکنند و لباس تقوی را بر اندام روح و باطن خویش بپوشانند تا بتوانند از این سفره پربرکت به طور کامل بهره مند گردند، و نیز برای آن که لیاقت این میهمانی برای ما حاصل شود و ما لایق برای میهمانی گردیم باید از راه مخصوص آن وارد شویم یعنی از طریق اهل بیت حبیب خدا که داعی بشریت به سوی این ضیافت، در حقیقت آنان هستند، آنان که کنار دریا لنگر انداخته اند تا بشر را به ساحل نجات برسانند و از غرق شدن و هلاکت آنها جلوگیری نمایند.

خداوند ماه رمضان را برای ضیافت برگزید و بر دیگر ماهها برتری داد تا لنگرگاه ایمان در طول سال باشد، لنگرگاهی که جانها به سوی آن می شتابند و از آن با نیروهای سازنده ای از ایمان، سفر خود را در دریای یازده ماهه خود آغاز می کنند، بنابراین ماه رمضان ماه نجات از مهلکه ها، ماه دگرگونی و تکامل، ماه عبادت، توبه، استغفار، ذکر و جهاد است. ماه رمضان اولش رحمت، وسطش مغفرت و پایانش خلاصی از آتش جهنم است.

فَإِنَّ الشَّقَىٰ مِنْ حَرَمِ غَفْرَانَ اللَّهُ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ.

پس شقی و دور از سعادت کسی است که در این ماه بزرگ از آمرزش الهی محروم ماند.

قال رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم:

من ادرك شهر رمضان فلم يغفر له فابعده الله، و من ادرك والديه فلم يغفر له فابعده الله، و من ذكرْتُ عنده فلم يصلِّ عَلَيَّ فلم يغفر له فابعده الله. (1)

ص: 16

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که ماه رمضان را درک کند و آمرزیده نشود پس خداوند او را از رحمت خود محروم و دور سازد، و کسی که پدر و مادر خود را درک کند و (در پرتو احسان به آنان) آمرزیده نشود، خداوند او را از رحمت خود دور سازد، و کسی که در نزد او از من یاد شود و بر من صلوات نفرستد پس آمرزیده نشود، پس او از رحمت خدا دور باد».

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :

من انسلخ عنه شهر رمضان و لم يغفر له فلا غفر الله له. (1)

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که ماه رمضان از او بگذرد و آمرزیده نشود پس خداوند نبخشد او را.»

عن محمد بن المنكدر عن جابر بن عبد الله الانصاري قال: ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رقى المنبر فقال آمين الى ان رقى الدرجة الاولى ثم رقى الثانية فقال آمين ثم رقى الدرجة الثالثة فقال: آمين: فقالوا يا رسول الله قلت: آمين ثلاث مرات فقال:

جائني جبرئيل عليه السلام فقال: شقى عبد ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت: آمين ثم قال: شقى عبد ادرك شهر رمضان فانسلخ عنه و لم يغفر له، فقلت: آمين، ثم قال: شقى عبد ادرك والديه او احدهما فلم يدخل الجنة فقلت آمين. (2)

محمد بن منكدر از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به منبر تشریف برد پس گفت: آمین، سپس بر پله دوم منبر رفت و گفت:

ص: 17

1- المراقبات، ص 103

2- وسائل الشیعه، ج 4، حدیث 13، باب 42 از ابواب ذکر از کتاب الصلوة، این روایت از طریق سلمة بن وردان از انس بن مالک با عبارات دیگری نقل شده که در کتاب مستدرک الوسائل، ج 2، ص 630، باب 75، حدیث 16 آمده است

آمین، آنگاه به پلهٔ سوم رفت و گفت: آمین.

پس (در این هنگام مردم) گفتند: ای رسول خدا (به چه منظور) سه نوبت آمین گفتید؟ پس حضرت فرمود:

«جبرئیل علیه السلام آمد نزد من و گفت: شقاوتمند است بنده ای که نزد او از شما یاد شود (نام شما برده شود) پس بر شما صلوات نفرستد، پس (من نیز) گفتم: آمین، سپس گفت: شقاوتمند است کسی که ماه رمضان را درک کند و بگذرد و آمرزیده نشود، پس گفتم: آمین، آنگاه جبرئیل گفت: شقی است بنده ای که پدر و مادر یا یکی از آنان را درک کند (پدر و مادرش زنده باشند) و وارد بهشت نشود (یعنی با احسان به آنان خود را اهل بهشت ننماید) پس گفتم: آمین».

امتیازات و ویژگیهای دیگر ماه رمضان:

در ماه رمضان گاهی عمل مستحب و مباح فضیلت و ثواب عمل واجب را پیدا می کند و کسی که فریضه و عمل واجب را انجام دهد ثواب آن چندین برابر خواهد شد (کان کمن ادى سبعین فریضة) و نیز آنچه ما به استراحت و آرامش انسان است در خوان این مهمانخانه برای روزه دار عبادت محسوب می شود (نومکم فیه عبادة)؛ یعنی چیزی که موجب قوام حیات انسان و یک امر اضطراری می باشد و انسان به اضطرار مجبور است بخوابد و استراحت کند، همین فعل اضطراری چون فعل اختیاری، عبادت و تسبیح به حساب می آید و گاهی در این مهمانخانه، انجام جزء، جای کل را می گیرد، مثلاً هر که یک آیه از قرآن را بخواند مانند این است که یک ختم قرآن تلاوت

کرده باشد و کسی که سوره توحید را بخواند ثواب پانزده ختم قرآن را دارد و بر این اساس هر بیست و چهار ساعت شبانه روزی روزی دارِ حقیقی در ماه رمضان عبادت و فضیلت می شود.

قال الرضا عليه السلام:

الحسنات في شهر رمضان مقبولة، والسيئات فيه مغفورة، مَنْ قرأ في شهر رمضان آية من كتاب الله عزَّ وجلَّ كان كمن ختم القرآن في غيره من الشهور، و من ضحك فيه في وجه المؤمن لم يلقه يوم القيامة الأضحك في وجهه و بشره بالجنة، و من اعان فيه مؤمناً أعانه الله تعالى على الجواز على الصراط يوم تزل فيه الاقدام، و من كفَّ فيه غضبه كفَّ الله عنه غضبه يوم القيامة، و من نصر فيه مظلوماً نصره الله على كلِّ من عاداه في الدنيا ونصره يوم القيامة عند الحساب و الميزان.

شهر رمضان شهر البركة و شهر الرحمة و شهر المغفرة و شهر التوبة و الانابة، من لم يغفر له في شهر رمضان ففي اي شهر يغفر له، فاسئلوا الله ان يتقبل منكم فيه الصيام، و لا يجعله آخر العهد منكم و ان يوفقكم فيه لطاعته و يعصمكم من معصيته انه خير مسئول. (1)

امام رضا عليه السلام فرمود:

« کارهای نیک در ماه رمضان قبول درگاه خداوند است و گناهان در آن ماه بخشوده است، کسی که در ماه رمضان یک آیه از قرآن مجید را بخواند مانند کسی است که در غیر ماه رمضان تمام قرآن را ختم کرده باشد، و کسی که آن ماه در صورت انسان مؤمنی تبسم نماید (و او را خوشحال کند) آن

ص: 19

شخص مؤمن نیز در قیامت (او را خوشحال و مسرور می نماید و) در چهره او می خندد و او را به بهشت بشارت می دهد، و کسی که در این ماه از مؤمنی دستگیری نماید خداوند متعال او را در عبور از صراط، روزی که قدمها می لرزد، (در قیامت) یاری می کند، و کسی که غضب خود را فرونشاند خداوند در قیامت غضب خود را از او فرو می نشاند و آن کس که مظلومی را یاری نماید خداوند او را در دنیا علیه دشمنانش یاری نموده و در قیامت هم او را کمک می کند. ماه رمضان، ماه برکت، رحمت، مغفرت، توبه و انابه است و کسی که در این ماه آمرزیده نشود پس در چه ماهی بخشوده می شود؟ پس از خداوند بخواهید که روزه شما را قبول فرماید و این که آخرین ماه رمضان شما نباشد و شما را برای بندگی اش توفیق عنایت کند و از معصیتش حفظ نماید که خداوند خوب سؤال شونده ای است.»

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :

إِيَّهَا النَّاسُ: مَنْ حَسَّنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ كَان لَه جَوَاز عَلَي الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ.

ای مردم کسی که در این ماه اخلاق خود را نیکو گرداند در قیامت از پل صراط به سلامت خواهد گذشت در آن روزی که قدمها لغزان است.

مَنْ خَفَّفَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَت يَمِينُهُ، خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ.

و کسی که کار خدمت گزاران و نوکران را در این ماه کم کند، خداوند حساب او را آسان فرماید.

و مَنْ كَفَّ فِيهِ شَرُّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ.

و کسی که شر خود را از دیگران بازدارد، خداوند غضب خود را در روز

قیامت از او بازدارد.

و من اکرم فیہ یتیمًا اکرمه الله یوم یلقاه.

و کسی که یتیمی را در این ماه اکرام کند و گرامی دارد، خداوند در قیامت او را گرامی دارد.

و من وصل فیہ رحمة وصله الله برحمته یوم یلقاه.

و کسی که در این ماه صله رحم نماید، خداوند او را مشمول رحمت خود گرداند.

و من قطع فیہ رحمه قطع الله عنه رحمته یوم یلقاه.

و کسی که قطع رحم کند، خداوند رحمت خود را از او قطع کند در روز قیامت.

و من تطوع فیہ بصلوة كتب الله له برائة من النار.

و کسی که در این ماه یک نماز مستحبی بخواند، خداوند بیزاری از آتش را برای او بنویسد.

و من ادی فیہ فرضاً کان له ثواب من ادی سبعین فریضة فیما سواه من الشهور.

و هر که عمل واجبی (مثلاً یک نماز واجب را) در این ماه انجام دهد ثواب هفتاد عمل واجب که در غیر ماه رمضان به جا آورد، به او داده می شود.

و من اکثر فیہ من الصلوة علی ثقل الله میزانه یوم تخف الموازین.

و هر که در این ماه زیاد صلوات بر من بفرستد خداوند میزان حساب او را در قیامت سنگین می کند.

و من تلافیه آیه من القرآن کان له مثل اجر من ختم القرآن فی غیره من الشهور.

ص: 21

و هر کس در این ماه یک آیه از قرآن بخواند، ثواب یک ختم قرآن که در ماه دیگر بخواند برای او خواهد بود.»

از جمله اختصاصات دیگر ماه رمضان این است که عوارض جانبی روزه داری و روزه، کاملاً جبران می شود مثلاً ممکن است انسان تصوّر کند که با گرفتن روزه از برخی عبادات دیگر (از جمله عبادات بدنی و کار و فعالیت که در روایت مشهور آمده کسی که برای زن و فرزندانش تلاش و فعالیت کند مانند کسی است که در راه خدا جهاد کند) باز می ماند زیرا هنگامی که روزه می باشد در اثر ضعف بدنی از کار و فعالیت تا حدودی محروم می گردد، ولی با توجه به این که نفس کشیدن در این ماه به منزله تسبیح خداوند و خوابیدن در آن عبادت است، این محرومیت جبران می شود، در صورتی که راجع به خواندن نماز با آن همه اهمیت که دارد چنین چیزی گفته نشده که نفس کشیدن در حال نماز عبادت باشد و همچنین در مورد حج با آن عظمت و غیر آن، بنابراین، این خصوصیت فقط مربوط به ماه رمضان و روزه داران واقعی است. و نیز عوارض جانبی فیزیکی و بهداشتی روزه قابل توجه است مثلاً بوی دهان روزه دار نزد ملائکه مورد نفرت و اشمئزاز نیست در صورتی که همین بوی دهان در غیر ماه رمضان موجب تنفر و اذیت خواهد شد.

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :

حسنةٌ يعملها ابن آدم تضاعف عشر الى سبعمأة ضعف يقول الله عزوجل الا الصيام، هو لى و انا اجزى به بترك شهوته من اجلي، فرحتان للصائم فرحة عند فطره

ص: 22

و فرحة يوم يلقي ربّه و خلوف فم الصائم اطيب عندالله من ريح المسك. (1)

رسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلم فرمود: «کار نیک (حسنة ای) که انسان انجام می دهد (هر حسنه و عمل نیکی) ده برابر تا هفتصد برابر پاداش دارد مگر روزه، که خداوند فرموده: روزه متعلق به من است و من (بدون واسطه) ثواب و جزای روزه را می دهم، به خاطر آن که روزه دار برای من از شهوت خود صرف نظر می کند، دو خوشحالی و سرور برای روزه دار هست یکی هنگام افطار و خوشحالی دیگری روز ملاقات با پروردگارش (آخرت). و بوی دهان روزه دار از بوی مشک نزد خداوند خوشبوتر است.»

چنانچه از صدر روایت روشن می شود روزه به اندازه ای با اهمیت است که پاداش خاصی برای آن تعیین نشده بلکه خداوند فرموده جزای او را من می دهم و یا در برخی روایات آمده که: من (خود) پاداش روزه هستم، و این نیز از خصوصیات دیگر روزه است زیرا اجر و ثواب اکثر عبادات بیان شده ولی برخی عبادات مانند نماز شب (مقاماً محموداً) و یا روزه هست که احدی ثواب آن را نمی داند، پاداشی از جانب پروردگار داده می شود که کسی خبر ندارد.

فضیلت روزه و ماه رمضان:

عن جابر بن عبدالله عن النبی صلّ الله علیه وآله وسلم قال: اعطیت امتی فی شهر رمضان خمساً لم یعطهنّ امّة نبی قبلی.

ص: 23

اما واحده: فاذا كان اول ليلة من شهر رمضان نظر الله اليهم و من نظر الله اليه لم يعذب به ابداً.

و اما الثانية: فان خلوف افواههم حين يمسون اطيب عند الله من ريح المسك.

و اما الثالثة: فان الملائكة يستغفرون لهم في ليلهم ونهارهم.

و اما الرابعة: فان الله عزوجل يأمر جنته ان استغفري و تزيني لعبادي فيوشك ان يذهب عنهم نصب الدنيا و اذاها و يصيروا الى جنتي و كرامتي. و اما الخامسة: فاذا كان اخر ليلة غفر لهم جميعاً فقال رجل: في ليلة القدر يا رسول الله؟ فقال: الم تر الى العمال اذا فرغوا من اعمالهم و فوا. (1)

از جابر بن عبدالله نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند به امت من در ماه رمضان پنج چیز مرحمت نموده که به هیچ یک از امتهای پیامبران قبل این پنج چیز عطا نشده.

اما اول: پس هنگامی که شب اول ماه رمضان می آید خداوند به امت من نظر رحمت می فرماید و خداوند کسی را که به او نظر رحمت نماید هرگز عذاب نخواهد نمود.

و اما دوم: این که بوی دهان روزه دار هنگام عصر، خوشبوتر است نزد خداوند از بوی مشک.

و اما سوم: این که فرشتگان الهی برای آنان شب و روز استغفار (و طلب آمرزش) می نمایند.

و اما چهارم: این که خداوند متعال امر می کند بهشت خود را که مهیا باش

ص: 24

و آرایش کن خود را برای بندگان من زیرا امید است که از رنج و محنت دنیا آزاد گردند و به سوی بهشت و کرامت من آیند.

و اما پنجم: این که هنگامی که شب آخر می شود خداوند همه را می آمرزد.

پس در این هنگام مردی گفت: ای رسول خدا آیا منظور شب قدر است؟ حضرت فرمود: آیا ندیده ای که عمّال (کارگرها) هنگامی که از فعالیت (و کار) فارغ می شوند وفا می شوند (مزد آنان داده می شود).

عن ابی سعید الخدری قال: سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُول:

من صام شهر رمضان يعرف حدوده و يتحفظ كما ينبغي له أن يتحفظ، فقد كفر ما كان قبله. (1)

ابی سعید خدری گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود:

«کسی که ماه رمضان روزه بگیرد در حالی که حدود ماه رمضان را بشناسد و مراعات کند حدود آن را چنانچه سزاوار و حق است که حفظ کند

و مراقب باشد، پس به طور قطع گناهان گذشته او تکفیر (بخشیده) خواهد شد.»

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و او از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل فرموده که امیرالمؤمنین علیه السلام روز اول ماه رمضان در مسجد کوفه خطبه خواند و (در آغاز خطبه) خداوند متعال را به بهترین حمد و ستایشها، ستایش فرمود و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاد، آنگاه فرمود:

ص: 25

«أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ شَهْرَ فَضْلِهِ اللهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ، كَفَضْلِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ (1)» .

ای مردم! همانا این ماه رمضان ماهی است که خداوند، آن را بر تمام ماهها فضیلت داد (و فضیلت و برتری آن) مانند برتری ما اهل بیت بر سایر مردم می باشد».

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

من صام شهر رمضان إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر.

نبی اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: « کسی که ماه رمضان از روی حساب روزه بگیرد، تمام گناهان گذشته و آینده او بخشیده خواهد شد».

قال النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :

ما من مؤمن يصوم شهر رمضان احتساباً إلا أوجب الله عزّوجلّ له سبع خصال.

اولها يذوب الحرام في جسده. و الثانية يقرب من رحمة الله عزّوجلّ. و الثالثة يكون قد كفرّ خطيئة ابيه آدم. و الرابعة يهون عليه سكرات الموت و الخامسة امان من الجوع و العطش يوم القيامة. و السادسة يعطيه الله برائة من النار. و السابعة يطعمه الله عزّوجلّ من طيبات الجنة.

(2)

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«هیچ مؤمنی نیست که در ماه رمضان از روی حساب (فقط به حساب خدا) روزه بگیرد مگر این که خداوند تبارک و تعالی برای او هفت خصلت را

ص: 26

1- فضائل الا شهر الثلاثة، ص 107

2- خصال شیخ صدوق رحمه الله ، ص 386

لازم و واجب می گرداند.

اول: هرچه حرام در پیکرش باشد، محو و ذوب میگرداند.

دوم: به رحمت خداوند متعال نزدیک می شود.

سوم: (با روزه خویش) خطای پدرش حضرت آدم را می پوشاند.

چهارم: سكرات مرگ (لحظات جان كندن) بر او آسان می شود.

پنجم: از گرسنگی و تشنگی روز قیامت ایمن خواهد بود.

ششم: براءت (آزادی) از جهنم را خداوند به او عنایت می فرماید.

هفتم: خداوند متعال او را از طیبات و پاکیزه های بهشت اطعام خواهد نمود.»

عن النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهَا الرَّيَّانُ، لَا يَدْخُلُ مِنْهَا إِلَّا الصَّائِمُونَ، فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أَغْلَقَ ذَلِكَ الْبَابَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

« به راستی که برای بهشت دری هست که به آن رِيَّان گفته می شود، از آن در، داخل بهشت نمی شوند مگر روزه داران، پس هنگامی که

آخرین نفر آنان وارد شد، آن در بسته می شود.»

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّوْمُ جُنَّةٌ.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «روزه سپر است» (در برابر آفتهای دنیا و عذاب آخرت)

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ... الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می کند.

عن ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام انه قال:

انّ لله تبارك و تعالی ملائكة موكلين بالصّائمين و الصّائمات يمسخونهم باجنحتهم، و يسقطون عنهم ذنوبهم، و انّ الله تبارك و تعالی ملائكة قد وكلهم بالاستغفار للصّائمين و الصّائمات لا يعلم عددهم الاّ الله عزّوجلّ.

حضرت رضا عليه السّلام فرمود:

« به راستی که برای پروردگار تبارک و تعالی فرشتگانی می باشد که موکل روزه داران هستند. (که برای روزه داران مقرر و معین گشته اند) تا بالهای خود را برای آنان بگسترانند و گناهان آنان را ساقط نمایند (از بین ببرند). و (همچنین) برای خداوند متعال ملائکه ای می باشد که موکل و (مقرر) شده اند برای استغفار (و طلب آمرزش) برای روزه داران. که عدد آنها را کسی غیر از خدا نمی داند.»

عن الرضا عليه السّلام انه قال:

اذا كان يوم القيام زفت الشهور الى الحشر يقدّمها شهر رمضان، عليه من كلّ زينة حسنة، فهو بين الشهور يومئذ كالقمر بين الكواكب فيقول اهل الجمع بعضهم لبعضٍ وددنا لو عرفنا هذه الصّور، فينادى منادٍ من عند الله جلّ جلاله: يا معشر الخلائق هذه صور الشهور التي عدتها عند الله اثنا عشر شهراً في كتاب الله يوم خلق السموات و الارض سيدها و افضلها شهر رمضان ابرزتها لتعرفوا فضل شهرى على سائر الشهور و ليشفع للصّائمين من عبادى و امائى و اشفعه فيهم.

حضرت رضا عليه السّلام فرمود:

«هنگامی که روز قیامت می شود ماههای سال به سوی محشر می شتابند (در صورتی که) ماه رمضان پیشگام و مقدّم بر همه ماههاست و بر او از هر زینتی حسنه ای می باشد، و ماه رمضان بین همه ماهها، همچون ماه است در

بین ستارگان، در این هنگام از بین جمعیت اهل محشر برخی به برخی دیگر می گویند دوست داشتیم این صورتها را بشناسیم، پس منادی از جانب پروردگار متعال ندا می دهد که ای گروه خلائق، این صورتها (که می بینید) اشکال (و صور) ماههایی است که نزد خداوند دوازده ماه شمرده شده بود در کتاب خدا از روزی که آسمانها و زمین را آفرید، سید (بزرگ) و افضل همه آن ماهها، ماه رمضان است که او را (در این صورت چون ماه) ظاهر نمودم تا فضیلت و اهمیت ماه مرا بر سایر ماهها بشناسید و او شفاعت می کند برای روزه داران از بندگان و کنیزان من و من شفاعت او را در مورد روزه داران می پذیرم.»

عن عبدالرحمن بن هبيرة قال كُتِبَ عند رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا، فَقَالَ: رَأَيْتَ الْبَارِحَةَ عَجَائِبَ قَالَ: فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رَأَيْتَ حَدَّثْنَا فِدَاكَ انْفُسَنَا وَ اَهْلُونَا وَ اولادنا فقال: رَأَيْتَ رَجُلًا مِنْ اُمَّتِي قَدِ اتَاهُ مَلِكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ فَجَاءَهُ بِرَّةٍ بُوَالِدِيهِ فَمَنْعَهُ مِنْهُ،... وَ رَأَيْتَ رَجُلًا مِنْ اُمَّتِي يَلْهَثُ عَطْشًا كُلَّمَا وَرَدَ حَوْضًا مَنَعَ فِجَاءَهُ صِيَامَ رَمَضَانَ فَسَقَاهُ وَ ارْوَاهُ... (1)

عبدالرحمن بن هبیره گفت روزی نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بودیم، پس حضرت فرمود:

«شب گذشته عجایبی دیدم، راوی گفت: ای رسول خدا حدیث نمایند برای ما آنچه را دیده اید، ما و اهل و عیال و فرزندان ما فدایت باد،

پس

ص: 29

1- وسائل الشَّيْخِ، ج 7، کتاب الصَّوْم، باب 7، ص 289، ج 1، 2، 13، 27، 29، 31، 35، 36، 37 کتاب فضائل الاشهر الثلاثة، ص

110، 112

حضرت فرمود: دیدم مردی از امت خود را که ملک الموت برای قبض روح او آمد، پس در این هنگام نیکی و احسان به پدر و مادرش او را از قبض روح بازداشت،... و دیدم مردی از امتم را که از شدت تشنگی (زبانش را بیرون می آورد و) می سوخت هر چه وارد بر حوضی می شد از آب محروم می گردید، تا این که روزه ماه رمضان آمد و او را سیراب نمود.»

پاداش و ثواب هر یک از روزهای ماه رمضان

سعید بن جبیر از ابن عباس درباره اجر و پاداش روزه داران ماه رمضان سؤال نمود، ابن عباس به او گفت: آماده باش تا برای تو چیزی را روایت کنم و بگویم که تاکنون نشنیده ای... سعید بن جبیر گفت: از نزد او رفتم و تا فردا خود را آماده شنیدن این حدیث نمودم تا این که بعد از خواندن نماز صبح ابن عباس به من گفت: گوش کن آنچه را می گویم؛

شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرمود:

لو علمتم مالکم فی رمضان لزدتم لله تبارک و تعالی شکرًا.

«اگر می دانستید در ماه رمضان چه چیزهایی خداوند تبارک و تعالی به شما می دهد، بسیار بیشتر از اینها شکر می کردید.»

شب اول:

إذا كان أوّل ليلة منه غفر الله عزّوجلّ لامتی الذّنوب كلّها: سرّها و علانیّتها و رفع لکم الفی ألف درجة، و بنی لکم خمسين مدینة.

«در شب اول ماه مبارک رمضان خداوند متعال همه گناهان آشکار و

ص: 30

پنهان امت مرا می آمرزد. و آلفی آلف (دو میلیون) درجه شما را بالا می برد و پنجاه شهر برای شما ساخته می شود.

روز دوم:

وكتب الله عزّ وجلّ لكم يوم الثاني بكلّ خطوة تخطونها في ذلك اليوم عبادة سنة، و ثواب نبی وكتب لكم صوم سنة.

« و خداوند عزّوجلّ در روز دوم به هر قدمی که بر می دارید، عبادت یک سال و ثواب نبی و روزه یک سال برای شما می نویسد.

روز سوم:

واعظاكم الله عزّوجلّ يوم الثالث بكلّ شعرة على ابدانكم قبة في الفردوس من درّة بيضاء، في اعلاها اثني عشر الف بيت من النور، و في اسفلها اثني عشر الف بيت في كلّ بيت الف سرير، على كل سرير حوراء يدخل عليكم كلّ يوم الف ملك مع كلّ ملك هديّة.

« و خداوند عزّوجلّ در روز سوم به تعداد هر موی که بر بدن دارید، قبه ای از درّ سفید در «جنة الفردوس» می سازد که در بالای آن دوازده هزار خانه از نور است و در پایین آن دوازده هزار خانه که در هر خانه هزار تخت می باشد و بر هر تختی حوریه ای است. هر روز بر شما هزار ملک داخل می شود که با هر ملکی هدیه ای است.

روز چهارم:

واعظاكم الله عزّوجلّ يوم الرابع في جنة الخلد سبعين الف قصر في كلّ قصر

ص: 31

سبعون الف بيت، في كل بيت خمسون الف سرير، على كل سرير حوراء بين يدي كل حوراء الف وصيفة خمار احداهن خير من الدنيا وما فيها.

و خداوند جل جلاله در روز چهارم در بهشت خلد هفتاد هزار قصر به شما اعطا می کند که در هر قصری هفتاد هزار خانه در هر خانه ای پنجاه هزار تخت، بر هر تختی حوریه ای است که در مقابل هر حوریهای هزار کنیز است که یکی از آنها از همه دنیا و آنچه در آن است، بهتر است.

روز پنجم:

واعظاکم الله يوم الخامس في جنة الماوی الف الف مدينة، في كل مدينة سبعون الف بيت، وفي كل بيت سبعون الف مائدة، على كل مائدة سبعون الف قصعة، في كل قصعة ستون الف لون من الطعام، لا يشبه بعضها بعضاً.

(و خداوند در روز پنجم در بهشتی (که جنة الماوی نام دارد) هزار هزار (یک میلیون) شهر، که در هر شهر هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار سفره غذا، که در هر سفره هفتاد هزار سفره دیگر، و در هر سفره کوچک شصت هزار رنگ از طعام است که هیچ کدام به دیگری شبیه نیست به شما عطا می کند.

روز ششم:

واعظاکم الله عزوجل يوم السادس في دار السلام مائة الف مدينة، في كل مدينة مائة الف دار، في كل دار مائة الف بيت، في كل بيت مائة الف سرير من ذهب، طول كل سرير الف ذراع، على كل سرير زوجة من الحور العين، عليها ثلاثون الف ذوابة

ص: 32

منسوجة بالدرّ و الياقوت، تحمل كلّ ذوابة مائة جارية.

«خداوند عزّوجلّ در روز ششم در بهشت دارالسلام صد هزار شهر، که در هر شهری صد هزار خانه، و در هر خانه صد هزار تخت از طلا که طول هر تخت هزار ذراع است، و بر هر تختی همسری از حورالعین نشسته که سی هزار بافه بافته شده به دُرّ و یاقوت دارد، و هر بافه ای را صد جاریه حمل می کنند، به شما اعطا می کند.

روز هفتم:

واعظاکم الله عزّوجلّ يوم السابع فی جنة النعیم ثواب اربعین الف شهید و اربعین الف صدیق.

«خداوند عزّوجلّ در روز هفتم در جنة النعیم، ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق به شما عطا می کند.

روز هشتم:

واعظاکم الله عزّوجلّ يوم الثامن عمل ستین الف عابد و ستین الف زاهد.

«خداوند عزّوجلّ در روز هشتم به شما عمل شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد را عطا می کند.

روز نهم:

واعظاکم الله عزّوجلّ يوم التاسع ما يعطى ألف عالم و ألف معتکف و ألف مرابط.

«خداوند عزّوجلّ در روز نهم آنچه به هزار عالم و هزار معتکف و هزار مرزبان عطا می کند، به شما می دهد.

ص: 33

روز دهم:

واعظاکم الله عزوجل يوم العاشر قضاء سبعین الف حاجة، ويستغفر لكم الشمس والقمر والنجوم والدواب والطيور والسباع وكل حجر و
مدر، وكل رطب ويابس، والحيتان في البحار والاوراق في الاشجار.

« خداوند عز و جل در روز دهم، هفتاد هزار حاجت از شما قضا می کند و خورشید، ماه، ستارگان، جنبندگان، پرندگان، درندگان و هر
سنگ و ریگی و هر تر و خشکی، ماهیان دریا و برگ درختان، همه و همه برایتان استغفار می کنند.

روز یازدهم:

وكتب الله عزوجل لكم يوم احد عشر ثواب اربع حجات و عمرات، كل حجة مع نبي من الانبياء، وكل عمرة مع صديق او شهيد.

«خداوند عزوجل در روز یازدهم برای شما ثواب چهار حج و عمره می نویسد که هر حجی با نبی از انبیاء و هر عمره ای با صدیق یا
شهیدی همراه باشید.

روز دوازدهم:

وجعل الله عزوجل لكم يوم اثني عشر ان يبذل الله سيئاتكم حسنات، ويجعل حسناتكم اضعافاً ويكتب لكم بكل حسنة الف
حسنة.

«خداوند عزوجل در روز دوازدهم، مقرر کرد برای شما که گناهانتان را به حسنات تبدیل کند و حسناتتان را چند برابر کند و در مقابل هر
حسنة ای

ص: 34

یک میلیون حسنه می نویسد.

روز سیزدهم:

وكتب الله عزّوجلّ لكم يوم ثلاثة عشر مثل عبادة اهل مكة والمدينة، واعطاكم الله بكلّ حجر و مدر ما بين مكة والمدينة شفاعة.

«خداوند عزّوجلّ در روز سیزدهم، مثل عبادت اهل مکه و مدینه را برایتان می نویسد و به تعداد هر سنگ و ریگی که ما بین مکه و مدینه است، حق شفاعت کردن را به شما عطا می کند.

روز چهاردهم:

و يوم اربعة عشر فکائما لقيتم آدم و نوحاً و بعدهما ابراهيم و موسى و بعده داود و سليمان، وکائما عبدتم الله عزّوجلّ مع کلّ نبیّ مائتي سنة.

« و روز چهاردهم مثل این است که شما با آدم و نوح و ابراهیم و موسی و داود و سلیمان ملاقات کرده اید (و چه مقدار اخذ شرف می کنید!!) و گویا خدای تعالی را با هر پیامبر دوست سال عبادت کرده اید.

روز پانزدهم:

وقضى لكم عزّوجلّ يوم خمسة عشر، حوائج من حوائج الدنيا و الآخرة و اعطاكم الله ما يعطى ايّوب، و استغفر لكم حملة العرش و اعطاكم الله عزّوجلّ يوم القيامة اربعين نورا عشرة عن يمينكم و عشرة عن يساركم، و عشرة امامكم و عشرة خلفكم.

«خدای عزّوجلّ در روز پانزدهم، حاجتهای دنیا و آخرت شما را قضا

ص: 35

می کند و آنچه به ایوب عطا فرمود، به شما نیز می دهد، و حاملین عرش برای شما استغفار می کنند و روز قیامت چهل نور به شما عطا می کند، که ده نور از طرف راست و ده نور از طرف چپ، و ده نور جلوی روی و ده نور از عقب سرتان می باشد.

روز شانزدهم:

واعظاکم الله عزوجل يوم ستة عشر اذا خرجتم من القبر ستین حلّة تلبسونها و ناقة ترکیونها، و بعث الله اليکم غمامة تظلكم من حرّ ذلك اليوم.

«روز شانزدهم، خداوند عزوجل، برای هنگامی که از قبر خارج می شوید، شصت حلّه به شما عطا می کند که بپوشید و شتری که سوار شوید و خداوند ابر سیاه و ضخیمی را مبعوث می کند تا شما را از حرارت آن روز ننگه دارد.

روز هفدهم:

و يوم سبعة عشر يقول الله عزوجل: ائی قد غفرت لهم ولأبائهم، و رفعت عنهم شدائد يوم القيامة.

«روز هفدهم خداوند عزوجل می فرماید به درستی که ایشان (روزه داران) و پدرانشان را آمرزیدم و سختیهای روز قیامت را از آنان برداشتم.

روز هجدهم:

و اذا كان يوم ثمانية عشر امر الله جبرئيل و ميکائيل و اسرافيل و حملة العرش و

ص: 36

الكَرْبِيِّينَ ان يَسْتَغْفِرُوا لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوَابَ الْبَدْرِيِّينَ.

«هنگامی که در روز هجدهم شد خداوند تبارک و تعالی به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملین عرش و کروبیین امر می کند که تا سال آینده برای امت محمد صلی الله علیه وآله وسلم و استغفار کنند و در روز قیامت نیز ثواب کسانی که در جنگ بدر شرکت کرده بودند، به شما (روزه داران) عطا خواهد شد.

روز نوزدهم:

فَإِذَا كَانَ يَوْمَ التَّاسِعِ عَشَرَ لَمْ يَبْقَ مَلِكٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا اسْتَأذَنُوا رَبَّهُمْ فِي زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ كُلِّ يَوْمٍ وَمَعَ كُلِّ مَلِكٍ هَدِيَّةٌ وَشَرَابٌ.

«هنگامی که روز نوزدهم شد، باقی نمی ماند در آسمانها و زمین ملکی الا این که از خداوند تبارک و تعالی اجازه می گیرد تا هر روز به زیارت قبورتان بیاید که با هر ملکی هدیه و نوشیدنی است.

روز بیستم:

فَإِذَا تَمَّ لَكُمْ عَشْرُونَ يَوْمًا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْكُمْ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلِكٍ يَحْفَظُونَكُمْ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَكُتِبَ لِلَّهِ لَكُمْ بِكُلِّ يَوْمٍ صَوْمٌ صَوْمِ مِائَةِ سَنَةٍ وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا وَأَعْطَاكُمْ ثَوَابَ مَنْ قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ وَكُتِبَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بِكُلِّ رِيْشَةٍ عَلَى جِبْرَائِيلَ عِبَادَةِ سَنَةٍ، وَأَعْطَاكُمْ ثَوَابَ تَسْبِيحِ الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ، وَزَوْجِكُمْ بِكُلِّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ الْفِ حُورَاءٍ.

«خداوند عزوجل در روز بیستم هفتاد هزار ملک را می فرستد تا شما را از

ص: 37

هر شیطان رجیمی حفظ کنند، و در مقابل هر روزی که روزه گرفته اید، روزه صد سال را می نویسد، و بین شما و جهنم خندقی قرار می دهد و ثواب کسانی را برای شما قرار می دهد که تورات و انجیل و زبور و فرقان را خوانده باشند و در مقابل هر پری که بر اندام جبرئیل است عبادت یک سال را به شما می دهد و ثواب تسبیح عرش و کرسی را برایتان می نویسد و در مقابل هر آیه ای که در قرآن است هزار حوریه به ازدواج شما در می آورد.

روز بیست و یکم:

و یوم احد و عشرین یوسّع الله علیکم القبر الف فرسخ، و یرفع عنکم الظلمة والوحشة، و یرفع عنکم قبورکم کقبور الشّهداء و یرفع عنکم کوجه یوسف بن یعقوب علیهما السّلام .

« خداوند تعالی در روز بیست و یکم قبر شما را هزار فرسخ گشاد می کند و ظلمت و وحشت را از شما می برد و قبورتان را مثل قبور شهدا قرار می دهد، صورتهای شما را مثل صورت یوسف پسر یعقوب _ علی نبینا و آله و علیه السّلام _ قرار می دهد.

روز بیست و دوم:

و یوم اثنین و عشرین یبعث الله عزّوجلّ الیکم ملک الموت کما یبعث الی الانبیاء علیهم السّلام و یدفع عنکم هول منکر و نکیر و یدفع عنکم همّ الدّنیاء و عذاب الآخرة.

«روز بیست و دوم خداوند عزوجل ملک الموت را همان طور که نزد انبیاء علیهم السّلام می فرستد، نزد شما نیز می فرستد و هول منکر و نکیر را از شما دفع

می کند و هم دنیا و عذاب آخرت را از شما بر می دارد.

روز بیست و سوم:

و یوم ثلاثة وعشرين تمرّون علی الصراط مع النبیین و الصدیقین و الشّهداء و کأنّما أشبعتهم کلّ یتیم من امّتی و کسوتهم کلّ عریان من امّتی.

« و روز بیست و سوم از صراط عبور می کنید با انبیا و صدیقین و شهدا و گویی هر یتیمی از امت مرا سیر کرده و هر عریانی از امت مرا پوشانده اید.»

روز بیست و چهارم:

و یوم اربعة وعشرين لا تخرجون من الدّنیّا حتّی یری کلّ واحد منکم مکانه من الجنة و یعطی کلّ واحد ثواب الف مریض و الف غریب خرجوا فی طاعة الله عزّوجلّ و اعطاکم ثواب عتق الف رقبة من ولد اسماعیل.

« روز بیست و چهارم از دنیا خارج نمی شوید مگر این که هر کدام از شما جایگاهش را در بهشت می بیند و به هر کدام ثواب هزار مریض داده می شود و هزار غریب، غریبی که در طاعت ربّ تعالی از وطن خارج شده، و ثواب آزادی هزار بنده از نسل اسماعیل _ علی نبینا و آله و علیه السّلام - را خواهید داشت.

روز بیست و پنجم:

و یوم خمسة وعشرين بنی الله عزّوجلّ لکم تحت العرش الف قبة خضراء علی رأس کلّ قبة خیمة من نور، یقول الله تبارک و تعالی: یا امّة احمد أنا ربکم و انتم

ص: 39

عبیدی و امایی، استظلوا بظل عرشى فى هذه القبات وكلوا واشربوا هنيئاً فلاخوف عليكم ولا انتم تحزنون، يا امة محمد وعزتي وجلالي لا بعثنكم الى الجنة يتعجب منكم الاولون والآخرين، ولا توجن كل واحد بألف تاج من نور ولا ركبن كل واحد منكم على ناقة خلقت من نور، زمامها من نور وفى ذلك الزمام الف حلقة من ذهب، فى كل حلقة ملك قائم عليها من الملائكة، بيد كل ملك عمود من نور حتى يدخل الجنة بغير حساب.

« روز بیست و پنجم خداوند عزوجل زیر عرش هزار قبه سبز رنگ بنا می کند که بر سر هر قبه ای، خیمه ای از نور است. خداوند تبارک و تعالی می گوید: ای امت احمد! من پروردگار شمایم و شما بندگان من هستید، طلب رحمت کنید در سایه عرشم در این قبه ها، و بخورید و بیاشامید، گوارا باد بر شما، نه خوفی و نه حزنی بر شماست. ای امت محمد! به عزت و جلالم شما را داخل بهشت می کنم به نحوی که اولین و آخرین در تعجب بمانند و تاج گذاری می کنم هر یک از شما را به هزار تاج، و سوار می کنم هر یک از شما را بر شتری که از نور خلق شده و زمام آن نیز از نور است و در این زمام هزار حلقة طلاست در هر حلقة ای ملکی از ملائکه ایستاده است که به دست هر ملکی عمودی از نور است تا بدون حساب وارد بهشت شوید.

روز بیست و ششم:

و اذا كام يوم سته و عشرين ينظر الله اليكم بالرحمة، فيغفر الله لكم الذنوب كلها الا الدماء و الاموال و قدس بيتكم كل يوم سبعين مرة من الغيبة و الكذب و البهتان.

« و هنگامی که روز بیست و ششم فرا رسید، خداوند به نظر رحمت به

شما می نگرید، پس همه گناهانتان، مگر خونها و اموال را (حق الناس را) می آمرزد و هر روز هفتاد مرتبه، خانه هایتان را از غیبت، دروغ و بهتان پاک می سازد.

روز بیست و هفتم:

و یوم سبعة وعشرين فكائما نصرتم كل مؤمن و مؤمنة وكسوتهم سبعين ألف عار(ی) و خدمتم ألف مرابط وكائما قرأتم كل كتاب انزله الله عزوجل على انبيائه.

«روز بیست و هفتم، که شد پس گویا شما هر مرد و زن با ایمانی را یاری کرده اید و هفتاد هزار برهنه را پوشانده اید و هفتاد هزار مرزبان را خدمت کرده اید و گویا کتب آسمانی که خداوند بر فرستادگانش نازل کرده است را خوانده اید.

روز بیست و هشتم:

و یوم ثمانية وعشرين جعل الله لكم في جنة الخلد مائة الف مدينة من نور و اعطاكم الله عزوجل في جنة المأوى مائة الف قصر من فضة و اعطاكم الله عزوجل في جنة الفردوس مائة الف مدينة، في كل مدينة الف حجرة، و اعطاكم الله عزوجل في جنة الجلال مائة الف منبر من مسك، في جوف كل منبر الف بيت من زعفران، في كل بيت الف سرير من درّ و یاقوت علی كل سرير زوجة من الحور العین.

« و در روز بیست و هشتم خداوند برای شما در «جنة الخلد»، صد هزار شهر از نور قرار می دهد و در «جنة المأوی» صد هزار قصر از نقره و در «جنة الفردوس» صد هزار شهر، در هر شهری هزار حجرة، و در «جنة الجلال»

ص: 41

صدهزار منبر از مشک، در داخل هر منبری هزار خانه از زعفران، در هر خانه هزار تخت از درّ و یاقوت، بر سر هر تختی زوجه ای از حورالعین نشسته است.

روز بیست و نهم:

فاذا كان يوم تسعة وعشرين اعطاكم الله عزّوجلّ الف الف محلّة في جوف كل محلّة، قُبّة بيضاء في كلّ قُبّة سرير من كافور ابيض، على ذلك السرير الف فراش من السندس الأخضر، فوق كلّ فراش حوراء عليها سبعون الف حلّة وعلى رأسها ثمانون الف ذوابة، كلّ ذوابة مكلّلة بالدرّ و الياقوت.

« روز بیست و نهم، خداوند عزّوجلّ هزار هزار (یک میلیون) محله به شما عطا می کند، در داخل هر محله، قبه سفیدرنگی است که در آن قبه تختی از کافور سفید است، و بر بالای این تخت هزار رختخواب از حریر سبز است و بر بالای هر رختخواب حوریه ای است که هفتاد هزار حله پوشیده و بر سر آن هشتاد هزار بافه است که به در و یاقوت زینت شده است.

روز سی ام:

فاذا تمّ ثلاثون يوماً كتب الله عزّوجلّ لكم بكلّ يوم مرّ عليكم ثواب الف شهيد، والف صديق وكتب الله عزّوجلّ لكم عبادة خمسين سنة وكتب الله عزّوجلّ لكم بكلّ يوم صوم الفی يوم، ورفع لكم بعدد ما أنبت النّیل درجات، وكتب عزّوجلّ لكم برائة من النّار، وجوازاً على الصّراط، و اماناً من العذاب، و للجنّة باب يقال له: الرّيان، لا يفتح ذلك الى يوم القيامة ثم يفتح للصائمين و

ص: 42

الصائمات من أمة محمد صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم، ثم ينادى، رضوان خازن الجنة: يا أمة محمد! هلمّوا إلى الريان. فيدخل أمتي في ذلك الباب إلى الجنة، فمن لم يغفر له رمضان، ففي أي شهر يغفر له؟ ولا حول ولا قوة الا بالله، حسبنا الله ونعم الوكيل.

«روز سی ام که تمام شد، خداوند عزوجل به عدد هر روزی که بر شما گذشته ثواب هزار شهید و هزار صدیق می نویسد، و عبادت پنجاه سال را برای شما می نویسد، و در مقابل هر یک روز روزه، دو هزار روز نوشته می شود و به تعداد درختها و گیاهانی که به واسطه آب رود نیل می رویند، رفعت درجات به شما خواهد داد و آزادی از دوزخ و گذشت از صراط و امان از عذاب را برایتان می نویسد، و برای بهشت دری است که به آن ریّان گویند، باز نمی شود مگر در روز قیامت، سپس به روزه داران امت محمد صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم ندا داده شود: بشتابید به سوی ریّان. پس امت من از این در به بهشت داخل می شوند. پس کسی که در این ماه رمضان آمرزیده نشود پس در چه ماهی آمرزیده شود؟» «ولا حول ولا قوة الا بالله، حسبنا الله ونعم الوكيل». (1)

قال الله تعالى شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبيّنات من الهدى والفرقان... (2)

ماه رمضان ماهی است که نازل شده است در آن قرآن برای هدایت مردم و با ادله روشن برای راهنمایی و امتیاز حق از باطل.

ص: 43

1- بحار الانوار، ج 96، ص 351، ح 23. (ضمناً در این حدیث شریف به انواع مختلف جنّات اشاره شده، جنّة الخلد، جنّة المأوی، جنّة الفردوس، جنّة الجلال، جنّة النعیم، جنّة الريان...)

2- سوره بقره، آیه 185

تمام قوانین و احکام الهی دارای مصالح و حکمت‌های خاصی است که بشر را به سوی کمال و ترقی راهنمایی می‌کند اعم از این که افراد بشر از اسرار آن دستورهای حکیمانه آگاه باشند یا خیر، و چنانچه بنده خدا، راه عبودیت حقیقی را طی نماید و در برابر احکام خدا، اطاعت و انقیاد محض و سرسپردگی کامل داشته باشد، همین روح تعبد، عامل مهمی خواهد بود در جهت سیر تکاملی و دستیابی به مدارج و مقامات مهم معنوی و انسانی در دنیا و آخرت.

روزه نیز یکی از همین برنامه‌های اسرار آمیز و شگفت آور و از واجبات الهی می‌باشد که بر هر مسلمان قادر مکلف در ماه رمضان واجب می‌شود یک ماه را روزه بگیرد و عمل به این دستور الهی همچون سایر عبادات فقط به خاطر انجام فرمان خدا باید باشد نه انگیزه‌های دیگر، اگرچه آثار و فواید فراوان جسمی، روحی، دنیوی، اخروی و غیره را در بر دارد که از مهمترین آنها، به دست آوردن ملکه تقواست و این اثر سرمایه عظیمی است که تمام عوامل تکامل در آن خلاصه می‌شود. خداوند می‌فرماید:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (1)

ای افرادی که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته (واجب) شده آن چنان که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شده بود، باشد که پرهیزکار شوید.

آری آنچه از آثار و فواید مهم روزه گفته می‌شود به طور قطع به دست

ص: 44

خواهد آمد ولی آن همه میوه های عالی بخصوص تقوی که از درخت روزه به دست آید، مربوط است به روزه واقعی نه فقط امساک از خوردن و آشامیدن و سایر مفطرات، و نباید از این نکته مهم غافل بود که گاهی پس از کشت و زراعت در زمین مساعد، مقدمات و شرایطی دیگر را جهت به عمل آمدن و دست یافتن به محصول عالی باید در نظر گرفت زیرا چه بسا با یک بی توجهی و سهل انگاری و با آمدن آفتی تمام زحمات کشاورز از بین می رود و به نتیجه مطلوب نمی رسد.

در این جا نیز بین روزه داری و به دست آوردن محصول تقوی، مقدمات و شرایط دیگری هست که باید مورد توجه قرار گیرد؛ به عبارت دیگر در موضوع روزه واقعی دو مرحله وجود دارد، یکی فراهم شدن زمینه است که به تدریج و با مراقبت در روزه داری شرایط مساعد گشته و سرزمین روح برای بذرافشانی تقوی مهیا می گردد و دیگری غرض اقصی و هدف عالی؛ یعنی به دست آوردن ملکه تقواست که با تحقق آن، انقیاد محض و تعبد الهی حاصل می شود.

بنابراین منظور از جمله شریفه «لعلکم تتقون» در آیه صیام این نیست که العیاذ بالله خداوند نمی داند و با تردید بیان می کند که شاید پرهیزکار شوید بلکه (لعل) اشاره است به شرایطی در وجود مخاطبین که با رعایت و مراقبت از آن شرایط، آن محصول و سرمایه عظیم

(تقوی) که محبوب خداست به دست خواهد آمد چنانچه در تمام مواردی که در قرآن آمده، موضوع بعد از کلمه لعل محبوبیت الهی داشته و این کلمه در قرآن هر کجا به کار رفته اشاره به کلّ شرایط مورد نظر می باشد؛ مثلاً (یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین

من قبلکم لعلکم تتقون) (1) یا لعلکم تشکرون، تهتدون، تعقلون، تفلحون، تتفکرون، ترحمون، تذکرون توقنون، تسلمون، تخلدون...

خداوند امکانات و سرمایه ها و راه بهره برداری از آن امکانات را به بشر عنایت فرموده ولی بقیه اش تا رسیدن به مقصد، به خود افراد واگذار شده است که اگر مواظبت بشود، به آن مقصد مطلوب بعد از لعل دست خواهند یافت، نظیر این که به کسی گفته شود: اشرب هذا الدوا لعلک تصح (بنوش این دوا را شاید خوب شوی) که تنها با استفاده دوا، علاج قطعی حاصل نمی شود بلکه شرایط دیگری از قبیل پرهیز از آفتها و خوراکیهای مضر، و رعایت کامل کم و کیف خود دوا، موقعیتهای زمانی و مکانی و غیره نیز دخالت دارد و برای تحقق سلامتی کامل نقش دارد، و همچنین نظیر این که به کسی گفته شود: تب علی الله لعل الله یغفرک. (توبه کن به پیشگاه خداوند شاید پروردگار متعال تو را بیامرزد) شکی نیست که خداوند متعال بخشنده و مهربان و توبه پذیر است ولی به اصطلاح معروف قابلیت قابل نیز شرط است. بنابراین جمله مذکور اشاره است به مجموع عوامل و مقدماتی که در مسیر به دست آوردن غفران خداوند نقش دارد.

روزه نیز با محدودیتهای و شرایط خاص خود، در روح و جسم انسان آثار فراوانی را باقی خواهد گذاشت و قدرت مقاومت، نورانیت و صفا نیز به انسان خواهد بخشید و جمله (لعلکم تتقون) هم اشاره به همین حقیقت است که با رعایت و مراقبت کامل این سرمایه عظیم تحقق خواهد یافت.

ص: 46

این ماه عزیز در حقیقت از نفعات ایام می باشد که هر انسانی خود را در معرض نسیم حیات بخش معنوی آن قرار دهد بدون تردید به سرمایه ها و فیضهای بزرگ الهی نایل خواهد گشت و از عطایای معنوی و ملکوتی آن بهره مند خواهد شد.

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ لَا فَتَعْرَضُونَ لَهَا... (1)

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: به راستی که برای پروردگارتان در ایام و روزهای دنیا (و روزگارتان) عطایا (و بخششهایی) است، پس آگاه باشید که این عطایا را به چنگ آورید (و از آن مواهب و نسیمها بهره مند شوید) التَعَرُّضُ لَهَا بِتَطْهِيرِ الْقُلُوبِ وَ تَزْكِيَتِهَا عَنِ الْخَبْثِ وَ الْكَدُورَةِ. در معرض قرار دادن، به پاک نمودن دلها و تزکیه نفس است از ناپاکیها و کدوراتها _ در نفعه و نسیمهای عادی مانند نسیم صبح و هوای مرغوب اول روز، کسی بهره مند می شود که پا در میدان گذاشته و خود را در معرض بهره برداری قرار دهد، همین طور است عطیه و نسیمهای معنوی.

خلاصه این که از امتیازات و برکات بی کران ماه رمضان، کسی استفاده می کند که به طور جدی پا در میدان بگذارد و قدر این ماه عزیز را بشناسد و در غیر این صورت همان است که امام صادق علیه السلام در ذیل روایتی مفصل و بسیار عالی و آموزنده فرمود:

ص: 47

ما اقلّ الصوم واكثر الجوع. (1)

چه کماند روزه داران (واقعی) و چه بسیارند آنان که بر خود گرسنگی روا می دارند.

گفت پیغمبر که نفحتهای حق *** اندرین ایام می آرد سبق

گوش و هوش دارید این اوقات را *** در ربایید این چنین نفحات را

نفحه ای آمد شما را دید و رفت *** هر که را می خواست جان بخشید و رفت

نفحه دیگر رسید آگاه باش *** تا از این هم وانمانی خواهی باش

«انّ الشّرع والعقل والعرف كلّها يحكم بلزوم التعرّض لنفحات الربّ تعالى و استقبال الطّافه في توفيق العبد لتحصيل قربه و رضاه بالشّوق والشّكر والادب و من اقلّ مراتب التعرّض ان ينشئ العبد جواباً لمنادى هذا الشهر باظهار الشّكر، و قبول المنّة، و عذر التّقصير، و ذلّ الاعتراف...»

و اما التّعرض لنفحة اجابة الدعوات، فبكثره الدعوات، و المناجات الواردات و غير الواردات، و ان يكثر التدبّر في الايات الواردة في ذلك من قوله تعالى:

«لا- يعبؤ بكم ربّي لولادعائكم» و قوله: ادعوني استجب لكم» و قوله: «و اذا سالك عبادى عنّي فاني قريب أجيب دعوة الدّاع اذا دعان فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي لعلّهم

ص: 48

یرشدون» و قوله: «ام من یحیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء» و قوله «ولو لاتضرعوا اذا جائهم بأسنا» و قوله: «واسألوا الله من فضله انّ الله کان بکم رحیماً» الی غیر ذلك من الایات الكثیرة. (1)

آثار و فواید روزه:

روزه علاوه بر امتیازها و ویژگیهای قابل توجهی که دارد، فواید فراوانی از نظر فردی و اجتماعی نیز در دنیا و آخرت در بر خواهد داشت و یکی از عوامل مهم سلامت و تقویت جسم و روح و سعادت انسان محسوب می شود چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

صوموا تصحوا (2) روزه بگیرید تا سالم شوید.

از این حدیث شریف به خوبی استفاده می شود که روزه سلامت جسم و روح را تضمین می کند و بر ظاهر و باطن انسان اثر می گذارد.

آثار جسمی روزه:

دربان مخصوص منصور دوانیقی گوید: روزی حضرت صادق علیه السلام در مجلس خلیفه حاضر بود، یک طبیب هندی نیز کتابی طبی در دست داشت مشغول مطالعه بود که در این بین به حضرت گفت: از این کتاب برای شما بخوانم؟ حضرت فرمود: نه. زیرا آنچه از قواعد طبی در نزد من است بهتر

ص: 49

1- مرحوم ملکی تبریزی، المراقبات، ص 104

2- بحار الانوار، ج 96

است از چیزی که تو داری، سپس فرمود: من دستور پیامبر اسلام را به کار می بندم که فرمود:

«المعدة بيت الداء والحمية هي الدواء. (1)»

معدۀ مرکز بیماریهاست، و امساک بالاترین دواها می باشد.

در اسلام دوروش خاص وجود دارد که به اصطلاح پزشکی یکی را پیشگیری و دیگری را درمان می توان نام نهاد که در بخش اول (پیشگیری) یک برنامه شبانه روزی ارائه شده که انسان تا گرسنه نشده مشغول غذا خوردن نشود و قبل از سیر شدن کامل نیز از غذا خوردن دست بکشد.

و من وصایا امیرالمؤمنین علیه السلام لابنه الحسن علیه السلام با بنی الا- اعلمك اربع خصال تستغنی بها عن الطّب؟ فقال: بلی یا امیرالمؤمنین قال: علیه السلام لا- تجلس علی الطّعام الا- وانت جائع، ولا تقم عن الطّعام الا وانت تشتهي، وجود المضغ، و اذا نمت فاعرض نفسك عن الخلاء...

امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «می خواهی تو را به چهار خصلتی آگاه نمایم که تو را از طبّ (و مراجعه به طبیب) بی نیاز گرداند، گفت: آری یا امیرالمؤمنین. آن گاه حضرت فرمود: بر سر غذا منشین مگر آنکه گرسنه باشی، و از غذا خوردن دست بکش در حالی که هنوز سیر نشده ای، و غذا را کاملاً بجو و با شکم پر به بستر خواب مرو (بلکه خود را خالی کن)».

و روش دوم همین روش حکمت آمیز معالجه و درمان از طریق روزه

ص: 50

است که با روزه یک ماهه ماه رمضان مواد اضافی و چربیهای ذخیره شده بدن به مصرف سوخت و ساز آن می رسد و در طی همین مدت خانه تکانی کاملی از بدن انسان به عمل می آید و معده و روده دوران استراحت لازم را پشت سر می گذارد، و بر همین اساس که بدن خود را خانه تکانی جدید نموده، موجب می شود تا نظافت کامل در تمام بدن و دستگاہها و سلولهای بدن تحقق یابد زیرا غذاهای مختلفی که انسان خورده همه آنها جذب بدن نمی شود بلکه قسمتی از آنها به صورت رسوبات مضر در قسمت‌های مختلف باقی خواهد ماند و بدن همانند ماشین یا دستگاہ صنعتی دیگر می گردد که یا انواع روغن و گریس به نقاط مختلف آن چسبیده و آن را آلوده کرده باشد و همین مواد اضافی است که گاهی تولید عفونتهای گوناگون کرده و سبب بیماریها می شود، و روزه موجب شستشوی این رسوبات و مواد مزاحم می گردد و روزه دار به وسیله روزه مواد عفونی را نابود و ریشه بیماریها را قطع کرده تمام بدن را واکسیناسیون می کند. در صورتی که اگر قرار باشد برای از بین بردن این رسوبات از داروهای مختلف استفاده شود این داروها خواه و ناخواه روی بافتهای سالم بدن اثرات سوء خواهد گذاشت چنانچه گفته می شود به طور متوسط از استعمال ده دارو یک بیماری پدید می آید و هر دارویی از عوارضی در بدن برخوردار است. (1)

بدن انسان که دایم در حال فعالیت است چون مرکبی می ماند که همیشه در حال حرکت و مسافرت است که نیاز مبرم به تعمیر خواهد داشت، بدن

ص: 51

آدمی نیز پس از یازده ماه فعالیت، با روزه یک ماهه ماه رمضان در معرض کامل قرار می‌گیرد و برای ادامه سفر زندگی سالم و آماده می‌شود، و تمام دستگاہها، بافتها، رگها، غده‌ها، اعصاب و دیگر اجزای بدن از خستگی بیرون می‌آید.

دکتر پاک نژاد می‌نویسد: «زرگرا برای تمیز و تشخیص طلا از سایر فلزات سنگی داشتند بنام سنگ محک، آیا نمی‌توان روزه یک ماهه رمضان را به عنوان سنگ محک تندرستی پذیرفت؟!»

آن‌گاه می‌افزاید: «در ظرف مدت یک ماه روزه داری، آدمی دارنده یک بدن تازه تعمیر شده و آزاد گردیده و از قید و بند سموم رها شده است. (1)»

دکتر کارلوی آمریکایی نیز می‌نویسد: «هر شخص بیمار باید هر سال مدتی از غذا پرهیز کند، زیرا مادامی که غذا به شما می‌رسد میکروبها در حال رشد است ولی هنگامی که از غذا پرهیز می‌کنید میکروبها روز به روز به ضعف می‌رود.» سپس می‌افزاید: «روزه ای که اسلام واجب کرده بزرگترین ضامن سلامتی می‌باشد. (2)»

«الکسی سوفورین» در کتاب خود می‌نویسد:

«نود و پنج درصد بیماریهای مردم از شکم خوارگی و سوء تغذیه سرچشمه می‌گیرد، سپس می‌افزاید آن‌گاه که انسان امساک می‌کند و دوران روزه کامل خود را می‌گذراند، بدن کم از غذاهای ذخیره شده استفاده

ص: 52

1- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ص 103

2- نقش روزه در درمان بیماریها، ص 16

می کند و از اندوخته های داخلی برای انرژی مصرفی خود بهره برداری می نماید.

جسم به هنگام روزه به جای غذا از مواد داخلی استفاده می کند و آنها را مصرف می نماید و مواد کثیف و عفونی که در جسم هست و ریشه و خمیره بیماریهاست از بین می رود و بدین طریق روزه سبب بهبودی همه بیماریهاست، از این رو جسم خود را بوسیله روزه از داخل نظیف و پاکیزه کنید. قسمتی از بیماریهایی را که این دانشمند توانسته بوسیله روزه معالجه کند به قرار زیر است.

نوراستی، التهاب معده، التهاب حنجره، سفلیس، سل درد، چشم زکام مزمن، درد مزمن سینه، نفخ و ورم ریه ها بیماریهای عصبی، لرزش اندام، استسقاء، فلج، کم خونی، اضطراب روحی، ضعف عمومی بدن، بیماریهای کبد، کلیه و بالاخره تضعیف غده ها و جلوگیری از اعتیاد.

وی معتقد است که حتی کسانی که مبتلا به کم خونی هستند باز هم روزه برای آنها مفید است و هرگز آثار سوئی نخواهد داشت، او می گوید: آثار روزه بسیار عجیب است و باید گفت روزه اعجاز می کند، درمان از طریق روزه فایده های ویژه ای دارد و معالجه از راه امساک اختصاص به بیماریهای فوق ندارد بلکه بیماریهایی که مربوط به اصول جسم انسانی است و با سلولهای آمیخته شده همانند سرطان، سفلیس، طاعون و بیماری عرق النساء، خراز (ریختگی پوست) و بیماریهای جلدی را نیز شفا می دهد. (1)

ص: 53

از استاد «کارلسون» نقل شده که: در جامعه آمریکا اعلان کرده که صیام، تجدید شباب و علاج شیخوخت می کند. (1)

فایده های روحی و معنوی روزه:

ماه رمضان واقعاً یک زمان مخصوصی است که بهترین فصل برای تربیت و تقویت ایمان و اراده می باشد حضرت زهرا علیها السلام در ضمن خطبه ای که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان استیضاح خلیفه ایراد نمود، فرمود: «والصیام تشبیهاً للاخلاص» (2) و (روزه را خداوند قرار داد برای ثبات و تحقق در اخلاص) شخص روزه دار، در درجه اول با مقاومت در برابر نیرومندترین خواسته های طبیعی و غریزی خود از خوردن و آشامیدن و غیره، اراده خود را محکم و تقویت می نماید و مهمترین عاداتهای خویش را ترک و بر شهوات نفس خود مستقلاً حکومت می کند، با این که غذای لذیذ و شربت گوارا در اختیار دارد. اما دست به آن نمی زند بلکه قطره آبی یا لقمه نانی هم به دهان نمی برد. در این صورت خیلی واضح است که استمرار این نوع امساک و برنامه های خاص، روح و روان انسان را در برابر خواسته ها و غرایز، قوی و نیرومند می سازد، لذا روزه داری در واقع یک مبارزه پیگیر و عمیق و بنیادی است علیه خواسته ها و فکرهای باطل و خطرناک انواع فسادها و آلودگیها که در مدت یازده ماه بر اثر آلودگیهای اجتماعی و هجوم عوامل فساد، میکروبیهای خطرناک گناه و هوسهای نادرست در وجود انسان رخنه نموده که اگر همین

ص: 54

1- وقائع الایام جلد 3، ص 431

2- علل الشرایع، ص 236

فسادهای روحی و اجتماعی ادامه یابد تمام سرزمین روح را آلوده می کند و بنیاد فرد و اجتماع نابود می شود، روح انسان مانند سرزمینی است که هم گیاه می رویاند و هم خار، ولی اگر از او مراقبت شود مانند زمینهای کشاورزی می گردد که آباد است و فقط نباتات و محصول مفید و خوب می رویاند.

روزه روح و باطن انسان را از خواهشهای ناشایسته پاک می گرداند و صیقل می دهد و صفای باطن می آورد زیرا وقتی شکم انسان از غذاها خالی شد پرهیزکاری، امانت داری، صداقت و خلاصه انسانیت او تقویت شده و نور ایمان در قلب او تجلی می کند.

اندرون از طعام خالی دار *** تا در او نور معرفت بینی

حضرت عیسی بن مریم علیه السّلام فرمود:

«یا معشر الحواریین جوّعوا بطونکم لعلّ قلوبکم تری ربکم. (1)»

ای حواریین خالی نگه دارید شکمهای خود را شاید پروردگار خود را از راه دل ببینید.

و در حدیث قدسی نیز آمده است:

یا احمد! لو ذفت حلاوة الجوع و الصّمت و الخلوة و ما ورثوا منها، قال یا ربّ ما میراث الجوع؟ قال الحکمة، و حفظ القلب، و التّقرّب الیّ و الحزن الدائم، و خفّة المؤمنة بین النّاس و قول الحقّ، و لایبالی عاش بیسر او بعسر. (2)

ای پیامبر اگر شیرینی (لذّت) گرسنگی و سکوت و خلوت را بچشی و

ص: 55

1- سفینه النجات، ج 1، ص 185

2- بحار الانوار، ج 77، ص 23

آنچه از اینها به ارث و ثمر می رسد. پیامبر صلی الله علیه وآله عرض کرد، پروردگارا میراث گرسنگی چیست؟ خداوند فرمود: میراث (و نتیجه) گرسنگی حکمت و حفظ قلب و تقرب به من و حزن همیشگی و سبکی مؤونه زندگی در بین مردم و کلام حق بوده و باکی نیست برای کسی که لذت گرسنگی را چشیده که زندگی به سختی می گذرد یا به آسانی.

و در کتاب سفینة النجات چنین آمده که: فایده گرسنگی این است که کم می کند خون قلب را و سفید می کند او را و در سفیدی خون قلب صفا و نورانیت است و آب می کند پیه قلب را و در آب شدن پیه قلب است زیادتی رقت او و رقت قلب کلید سعادت و موجب توجه الطاف حق است که در حدیث قدسی فرمود: انا عند المنکسرة قلوبهم والمندرسه قبورهم، چنانچه در قساوت قلب است حجاب و بُعد از حق علاوه هر قدر خون قلب کم شود مجاری و راههای دشمن که شیطان است تنگتر می شود زیرا مجاری شیطان رگهایی است که پر است از شهوات، پس فایده و ثمره گرسنگی در نورانیت قلب امری است ظاهر و هویدا، شهادت می دهد او را تجربه و امتحان.

چنانچه گفته شد با روزه داری اراده انسان پرورش می یابد و به تدریج آماده بذرافشانی می گردد و پس از شستشو، باطن به فطرت اولیه خود بازگشته و مانند آغاز تولد که به خدا توجه داشت اکنون نیز در اثر روزه، روح انقیاد و عبودیت در وجود وی قوی گشته و با تکرار روزه، روز به روز و بلکه ساعت به ساعت توجه به خدا و قرب الهی در وی افزایش می یابد، آن گاه است که تمام وجودش نورانی می شود و با پروبال قوی روحی، بر فراز هدفهای عالی بندگی خداوند پرواز می نماید و روح صفا و

صمیمیت استقامت، مساوات، عدالت و تمام ابعاد انسانی در او زیاد می گردد.

بزرگترین عامل ویرانگر در جامعه بشریت که شیرازه جوامع را از هم می پاشد و موجب هلاکت و نابودی می گردد گناه و فسادهای اجتماعی است «فأهلکناهم بذنوبهم» و یکی از عوامل مهم گناه و بی بندوباری ضعف اراده و نفس انسان است، زیرا هر قدر اراده ضعیف باشد زودتر و بیشتر تحت تأثیر انحرافات قرار می گیرد، و روزه بهترین وسیله برای تقویت اراده می باشد و بر این اساس عالی ترین عامل بازدارنده از معصیت خداوند روزه است.

یکی از روانشناسان اروپایی می گوید: عجیب است که مسأله پرورش اراده به وسیله روزه که امروزه ما بدان توجه داریم قرنهای پیش مورد توجه پیشوایان اسلام قرار گرفته، مسلمانان و سربازان صدر اسلام به وسیله روزه گرفتن خود را تقویت نموده و در میدان جنگ، با حرارت و شجاعت نبرد می کردند و سربازان اسلام غالباً در پرتو شب زنده داری شب، به امدادهای آسمانی امیدوار می گردیدند و در سایه روزه روز، اراده خود را پرورش داده و از عزمی پولادین برخوردار می شدند.

در پایان این بخش لازم است یادآوری شود که ما مسلمانان فقط برای امتثال فرمان خدا روزه می گیریم و بس و به دست آمدن فواید و آثار فراوان جسمی و روحی لازمه این امتثال است.

روزه حقیقی

آنچه تاکنون از آثار و فواید مهم و معنوی روزه گفته شد مربوط است به

روزه واقعی؛ یعنی روزه ای که به تمام جوانب آن توجه شود، زیرا روزه فقط امساک و خودداری از خوردن و آشامیدن نمی باشد. بلکه باید تمام اعضا و جوارح و ظاهر و باطن انسان روزه باشد.

«آسانترین چیزی که خداوند در روزه برای روزه دار واجب کرده امساک از خوردن و آشامیدن است» (1).

عن ابی جعفر علیه السلام قال: عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ انصاری یا جابر! هذا شهر رمضان، من صام نهاره وقام ورداً من ليلته وعفّ بطنه وكفّ لسانه، خرج من ذنوبه كخروجه من الشهر، فقال جابر: يا رسول الله! ما احسن هذا الحديث، فقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يا جابر! وما اشدّ هذه الشروط. (2)

امام باقر علیه السلام از قول پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به جابر چنین نقل می فرماید که: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: ای جابر! این ماه رمضان است، هر کس در ماه رمضان روزه بگیرد و شب آن به یاد خدا بیدار باشد و شکم خود را از حرام و دامن خود را از آلودگی و زبان خود را از ارتکاب گناه حفظ کند، از تمام گناهان بیرون می رود مانند این که از ماه رمضان بیرون می رود. جابر گفت: ای پیامبر خدا! این چه حدیث (کلام) خوبی است، حضرت فرمود: ای جابر! و چه شرطهای سختی است.

اگر لذت ترک لذت بدانی *** دگر لذت نفس لذت نخوانی

ص: 58

1- وسائل الشیعه، ج 2، صفحات 116 _ 118

2- همان مأخذ

سفرهای علوی کند مرغ جانت *** گراز چنبر آز بازش رهایی

ولیکن ترا صبر عنقا نباشد *** که در دام شهوت به گنجشک مانی

تو این صورت خود چنان می پرستی *** که تا زنده ای ره به معنی ندانی

چنان می روی ساکن و خواب در سر *** که می ترسم از کاروان بازمانی

اقسام روزه

1_ روزه عام؛ یعنی کفّ نفس و اجتناب از مفطرات که اولین درجه روزه است و به روزه عوام موسوم می باشد.

2_ روزه خاص؛ یعنی نگهداری تمام اعضا و جوارح از گناهان، که چنین روزه دارانی پیرامون گناه نمی روند و چشم آنان می بیند آنچه رضای خدا در آن است و گوش و زبان و همه اعضای آنان در خدمت خدا قرار می گیرد.

3_ روزه خاص الخاص یا اخص؛ یعنی دور شدن از ما سوی الله و از قلب تمام مشاغل را غیر از خدا دور نمودن، که این نوع روزه فقط اختصاص به اولیای خدا دارد.

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند *** بنگر مقام آدمیت که تا چه حدّ است

ص: 59

با این بیان مبطلات هر نوع از انواع و درجات مذکور روزه به حسب همان نوع می باشد؛ یعنی روزه عام با خوردن و آشامیدن و سایر مبطلات که در رساله های عملیه ذکر شده، باطل می شود و روزه خاص نیز با انجام هر یک از منهیات و گناهان، و روزه اخص هم با واردات قلبی و خاطرات قلبی و توجه به غیر خدا از آن عظمت تنزل می یابد. (1)

در روایت دیگر از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود:

«صوم القلب خیر من صوم اللسان و صوم اللسان خیر من صیام البطن».

روزه داشتن قلب (از اندیشه های گناه) بهتر است از روزه زبان و روزه زبان برتر است از روزه داشتن شکم (خودداری از خوردن و آشامیدن) بنابراین گاهی روزه مربوط می شود به شکم و امساک از خوردن و آشامیدن که پایین ترین مرحله روزه داری است و گاهی مربوط می شود به حفظ زبان و اعضا و جوارح که مرحله دوم می باشد و از همه آنها بالاتر و برترین مراحل روزه داری آن است که انسان علاوه بر امساک ظاهری و حفظ جوارح، فکر و جانش نیز روزه دار باشد؛ یعنی مشغول به غیر خدا نشود. چنانچه در کتاب شریف وقایع الايام نیز ذکر شده، آن که روزه صورت دارد (یعنی صورت روزه داران را دارد) افطار او در شب باشد و آن که روزه معنی دارد افطار او در وقت لقای رب باشد که: صم للربوة، للصائم فرحتان، فرحة عند الافطار وفرحة عند لقاء الملك الجبار. (2)

ص: 60

1- به کتاب المحجة البيضاء، ج 2، ص 132 مراجعه شود

2- وقایع الايام نقل از وسائل الشیعه، ج 7، حدیث 6، باب 2 از ابواب صوم المندوب

صنف اول:

«فصنّف دخلوا في الصّوم بمجرّد ترك الأكل والشّرب بالنّهار و ما يقتضى الإفطار في ظاهر الاخبار و ما صامت جارحة من جوارحه عن سوء آدابهم و فضايحهم فهؤلاء يكون صومهم على قدر هذه الحال صوم صوم اهل الاهمال» (1).

این گروه فقط از خوردن و آشامیدن و سایر مفطرات (مذکور در رساله های عملیه) امساک می کنند، ولی اعضا و جوارح آنان به انواع فضایح و آداب بد افطار می کند، پس این روزه، روزه اهل اهمال است.

صنف دوّم:

وصنّف دخلوا في الصّوم وحفظوا بعض جوارحهم من سوء الآداب على مالک يوم الحساب، فكانوا في ذلك النّهار متردّدين بين الصّوم بما حفظوه و الإفطار بما ضيّعوه.

و گروهی بعضی جوارح را از آداب زشت نسبت به مالک روز حساب حفظ می کنند و در این روزه بین حفظ و ضایع نمودن روزه، در حال تردّدند (بعضی از اعضا را در بعضی ساعات حفظ می کنند).

صنف سوّم:

« و صنف دخلوا في الصّوم بزيادة التّوافل و الدّعوات التي يعملونها بمقتضى العادات

ص: 61

و هي سقيمة لسقم النيات، فحال أعمالهم على قدر اهمالهم».

گروهی مستحبات و ادعیه وارده را نیز برحسب عاداتهای همیشگی خود انجام می دهند و این قید عادت، باعث عدم صحت نیت آنان است، لذا عملشان به مقدار اهمال از خلوص آنان است.

صنف چهارم:

«و صنف دخلوا دار ضیافة الله جلّ جلاله فی شهر الصیام، والقلوب غافلة، والهمم متكاسلة، والجوارح متثاقلة، فحالهم كحال من حمل هدايا الى ملك ليعرض عليها و هو كاره لحملها اليه، وفيه عيوب تمنع من قبولها والاقبال عليه».

گروهی به ضیافت الله وارد می شوند، در حالی که قلوبشان از معارف غافل است و بی نشاط و کسل هستند، گویی اعضا و جوارحشان سنگین شده است و با زور کارها را انجام می دهند، حال این گروه، حال کسانی است که هدایایی به طرف سلطان می برند، در حالی که از حمل این بار کراحت دارند، علاوه بر این که این هدایا به عیوبی آلوده است که مانع پذیرفتن آن می شود.

صنف پنجم:

«و صنف دخلوا فی الصوم و أصلحوا ما يتعلّق بالجوارح ولكن لم يحفظوا القلب من الخطرات الشاغلة من العمل الصّالح فهم كعامل دخل على سلطانه، و قد اصلح رعيتيه بلسانه، و اهمل ما يتعلّق باصلاح شأنه، فهو مسؤول عن تقديم اصلاح الرّعية على اصلاح ذاته، وكيف آخر مقدماً و قدّم موخراً، و خاطر مع المطلع على ارادته».

گروهی اعضا و جوارح را از افطار حفظ می کنند و آنچه به آنها متعلق

ص: 62

است را اصلاح می کنند، لکن قلب را از خطورات و توجّهاتی که مانع از عمل صالح است حفظ نمی کنند، اینان مثل کسی هستند که با زبانش شهر و استانی را که به او سپرده اند به اصلاح رسانده در حالی که از اصلاح خود اهمال کرده است، پس او مورد بازخواست قرار می گیرد که چرا دیگران را در اصلاح نفس، بر خود مقدم داشتی؟ و چگونه چیزی را که مقدم است موخر داشته ای و چیزی را که مؤخر است مقدم داشته ای؟ و خود را نسبت به خداوند که مطلع بر نیات قلبی تو است به مخاطره انداخته ای؟

صنف ششم:

«و صنفٌ دخلوا في الصيام بطهارة العقول و القلوب على اقدام المراقبة لعلام الغيوب حافظين ما استحفظهم آياه، فحالهم حال عبد تشرف برضا مولاه».

گروهی با قلوب و عقلهای طاهر شده، وارد ماه رمضان می شوند، زیرا در حضور خدایی که از غیب و نهان آگاه است، خود را از گناه مراقبت و محافظت نموده اند و نسبت به آنچه که خدای تبارک و تعالی خواسته بود تا در حفظ آن بکوشند، کوشیدند. حال اینان حال کسانی است که موفق به کسب رضایت مولا شده اند.

صنف هفتم:

«و صنفٌ ما قنعوا الله جلّ جلاله بحفظ العقول و القلوب و الجوارح عن الذنوب و العيوب و القبائح، حتّى شغلوها بما وقّعهم له من عمل راجح صالح، فهؤلاء أصحاب التجارة المربحة والمطالب المنجحة».

ص: 63

و گروه دیگر به حفظ قلب و عقل و اعضا و جوارح از گناهان و عیوب و زشتی ها، کفایت و قناعت نکرده، بلکه خود را مشغول به اعمال صالح و نیکو نموده اند که حضرت حق تعالی به آنان توفیق داد، (نه تنها ظروف وجودی شان را طاهر نگاه داشتند، بلکه به زیور و زینت مستحبات نیز آن را آراییده اند) پس این گروه، اصحاب تجارتی سودمند و مطالبی موفقیت آمیز بوده اند.

اصناف روزه داران (از نظر نیت روزه)

«صنف منهم الدّین یقصدون بالصّوم طلب الثواب و لولاه ما صاموا و لا عاملوا به ربّ الارباب، فهؤلاء معدودون من عبید سوء الدّین أعرضوا عمّا سبق لمولاهم من الانعام علیهم، و عمّا حضر من احسانه الیهم، و کانتهم انّما یعبدون الثّواب المطلوب، و لیسوا فی الحقیقة عابدین لعلاّم الغیوب، و قد کان العقل قاضیاً أنّ یبدلوا ما یقدرون علیه من الوسائل حتّی یصلحوا للخدمة لِمالک النّعم الجلائل».

این گروه به قصد رسیدن به ثواب، روزه می گیرند و اگر پای ثواب در بین نبود، ربّ الارباب را در هیچ زمینهای اطاعت نمی کردند. اینان از بندگان بد خداوندند که از نعمتهایی که خداوند جلّ جلاله به آنان انعام کرد (سلامتی و توانایی به آنان داد و رزق و روزیشان را فرستاد) روی گردانند، کانه اینان ثواب مطلوب را می پرستند و در حقیقت خدای تعالی را نمی پرستند در حالی که به حکم عقل آنچه در توان و قوه دارند باید در راه اطاعت پروردگار بکار گیرند.

ص: 64

«وَصَنَّفَ قَصَدُوا بِالصَّوْمِ السَّلَامَةَ مِنَ الْعِقَابِ، وَ لَوْلَا التَّهْدِيدُ وَالْوَعِيدُ بِالنَّارِ وَ اِهْوَالِ يَوْمِ الْحِسَابِ، مَا صَامُوا. فَهَوْلَاءُ مِنْ لِنَامِ الْعَبِيدِ، حَيْثُ لَمْ يَنْقَادُوا بِالْكَرَامَةِ وَ لَا رَأَوْا مَوَالِيَهُمْ اِهْلًا لِلْخِدْمَةِ فَيَسْلُكُونَ مَعَهُ سَبِيلَ الْاِسْتِقَامَةِ وَ لَوْلَمْ يَعْرِفُوا اِهْوَالَ عَذَابِهِ مَا وَقَفُوا عَلَيَّ مُقَدَّسِ بَابِهِ، فَكَأَنَّهُمْ فِي الْحَقِيقَةِ عَابِدُونَ لذَاتِهِمْ، لِيَخْلُصُوها مِنْ خَطَرِ عِقوباتِهِمْ».

این گروه روزه را به قصد سلامت از عذاب و عقاب می گیرند و اگر وعید و تهدید به آتش و هول روز قیامت نبود، هرگز روزه نمی گرفتند، اینان بندگان پستی هستند، زیرا با کرامت مطیع نمی شوند و برای خداوند جلّ جلاله، اهلیت پرستش و طاعت و خدمت قایل نیستند و او را اهل طاعت نمی دانند تا راه مستقیم را به واسطه او ببینند و اگر هولهای عذاب الهی را نمی شناختند، بر درگاه طاعت ربّ جلّ جلاله سر نمی سائیدند، کانه اینان لذات خود را می پرستند تا آن لذات آنان را از خطرات عقوبات برهانند.

«صَنَّفَ صَامُوا خَوْفًا مِنَ الْكَفَّارَاتِ وَ مَا يَقْتَضِيهِ الْاِفْطَارُ مِنَ الْغَرَامَاتِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ مَا رَأَوْا مَوْلَاهُمْ اِهْلًا لِلطَّاعَاتِ وَ لَا مُحَلًّا لِلْعِبَادَاتِ، فَهَوْلَاءُ مَتَعَرِّضُونَ لِرَدِّ صَوْمِهِمْ عَلَيْهِمْ وَ مَفَارِقُونَ فِي ذَلِكَ مَرَادِ اللَّهِ وَ مَرَادِ الْمُرْسَلِ إِلَيْهِمْ».

گروهی از ترس پرداخت کفّاره و غرامتِ روزه خواری، روزه می گیرند و گرنه برای حق تعالی اهلیت طاعت قایل نیستند و خدای تبارک و تعالی را مستحق عبادات نمی بینند، اینان کسانی اند که برای جلوگیری از بازگشت روزه

به خود، روزه می گیرند (مبادا به واسطه قضا یا عقاب و یا کفاره این روزه به گردنشان بازگردد)، از هدف الهی که روزه را واجب فرمود و مراد رسولان الهی که تکلیف را بیان داشتند، جدا و فارق هستند.

صنف چهارم:

«و صنف صاموا عادة لآعبادة، وهم كالشاهين في صومهم عمّا يراد الصوم لأجله، و خارجون عن مراد مولا هم و مقدّس ظلّه، فحالهم كحال السّاهي و اللّاهي و المعرض عن القبول و التّاهي».

این گروه طبق عادت و نه برای عبادت روزه می گیرند و هدف اصلی که روزه به خاطر آن واجب شده است را فراموش کرده اند از مسیر مورد نظر خداوند و نیز از سایه عنایت او خارج و بی بهره اند حال ایشان، بسان حال انسان فراموشکار و مشغول به بازی است و همچنین حال کسی که هم از قبول چیزی سرباز می زند و هم از رد آن.

صنف پنجم:

«و صنف صاموا خوفاً من اهل الاسلام و جزعاً من العار بترك الصيام، امّا للشكّ او الجحود أو طلب الراحة في خدمة المعبود، فهؤلاء أموات المعنى أحيا الصورة و كالصّم الذين لا يسمعون داعي صاحب النعم الكثيرة، و كالعُميان الذين لا يرون أنّ نفوسهم بيد مولا هم ذليلة مأسورة، و قد قاربوا أن يكونوا كالذّواب بل زادوا عليها، لأنّها تعرف من يقوم بمصالحها و بما يحتاج اليه من الأسباب».

این گروه از ترس مسلمانان روزه می گیرند، زیرا اگر کسی بفهمد آنان

ص: 66

روزه نمی گیرند (و یا این که روزه آنها برای خدای تعالی نیست) آبرویشان می رود، این حالت به خاطر این است که یا شک دارند و یا معاندند و یا راحت طلبند، پس اینان در معنا مرده اند، و در صورت زندگانند (مرداری زنده اند)، گویا گوششان از شنیدن دعوت کننده به طرف حق برای رسیدن به نعمتهای زیاد، کور است و چشمشان از دیدن این که جانشان ذلیل و اسیر در دست مولاست، کور است. اینان در رده چهار پایان بلکه پایین تر از آنان هستند، زیرا چهار پایان کسی که مایحتاج زندگی شان را می رساند، می شناسند. ولی اینان ولی نعمت خود را نمی شناسند.

صنف ششم:

و صنف صاموا لأجل أنهم سمعوا أنّ الصوم واجب في الشريعة المحمدية صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، فكان صومهم بمجرد هذه النية من غير معرفة بسبب الإيجاب، ولا ما عليهم الله جلّ جلاله من المنة في تعريضهم لسعادة الدنيا و يوم الحساب، فلا يستبعد أن يكونوا متعرضين للعتاب».

گروهی روزه می گیرند به خاطر این که شنیده اند در شریعت محمد صلی الله علیه و آله روزه واجب است پس اینان اگر فقط به خاطر واجب بودن، روزه را نیت کنند، بدون معرفت (به این که روزه منتهی از جانب حق تعالی بر آنان است) از سعادت دنیا و آخرت که در ورای روزه نهاد شده است و خداوند متعال به واسطه آن سعادت، بر بندگان منت نهاده است بی بهره خواهند بود و حتی بعید نیست گفته شود در معرض عتاب الهی قرار می گیرند.

ص: 67

صنف هفتم:

و صنف صاموا و قصدوا بصومهم أن يعبدوا الله كما قدّمناه، لأنّه أهل للعبادة فحالهم حال أهل السعادة».

گروهی روزه می گیرند، تا به واسطه آن خدای تعالی را اطاعت کرده باشند، زیرا خداوند جلّ جلاله را اهل عبادت می دانند، حال اینان حال اهل سعادت است.

صنف هشتم:

«و صنف صاموا معتقدين أنّ المنة لله جلّ جلاله عليهم في صيامهم، و ثبوت أقدامهم، عارفين بما في طاعته من اكرامهم و بلوغ مرامهم، فهؤلاء أهل الظفر بكمال العنايات و جلال السعادات».

گروهی روزه می گیرند، در حالی که می دانند و اعتقاد دارند این روزه منتهی است که خداوند جلّ جلاله برای ثبات قدم آنان قرار داد، اکرامی که در پس روزه نهفته است را می شناسند و به رسیدن به آن اعتقاد دارند. این گروه به کمال عنایات الهی و جلال سعادت رسیده اند و فاتح این قلّه ها هستند.

کتمان روزه

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من کتم صومه قال الله عزّوجلّ لملائکته: عبدی استجار من عذابی فاجیروه. (1)

ص: 68

امام صادق علیه السلام فرمود «کسی که روزه خود را از دیگران کتمان کند، خداوند متعال به ملائکه خود می فرماید: بنده (روزه دار) من پناه آورده به من (از عذاب) پس او را پناه بدهید.»

سحرخیزی و سحری خوردن

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : السَّحُورُ بَرَكَةٌ (1) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: «سحرگاهان (سحری خوردن) برکت است.» و امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «خداوند بر سحرخیزان درود می فرستد و فرمود: سحرخیز باشید ولو به نوشیدن آبی (سحری بخورید) و بهترین چیز برای خوردن سحری قویت و خرما می باشد.

تعاونوا باكل السَّحُورِ عَلَى صِيَامِ النَّهَارِ وَبِالنَّوْمِ عِنْدَ الْقِيلُولَةِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ.

همچنین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: از سحری خوردن برای روزه گرفتن در روز و از خواب قیلوله (خواب قبل از ظهر) برای نماز شب خواندن خود کمک گیرید. (2)

استراحت در روز و خواب قیلوله:

قال ابوالحسن عليه السلام : قِيلُوا فَإِنَّ اللَّهَ يَطْعَمُ الصَّائِمَ وَيَسْقِيهِ فِي مَنْامِهِ. (3)

حضرت امام موسی علیه السلام فرمود:

ص: 69

1- وسائل الشیعه، ج 7، ص 153

2- جامع احادیث الشیعه، ج 9، صفحات 204، 252 و 253

3- وسائل الشیعه، ج 7، ص 98

«قیلوله کنید (پیش از ظهر بخوابید) زیرا پروردگار مهربان در خواب روزه دار را طعام و آب می دهد.

برخی از آداب روزه

مراقبت و کنترل کامل از اعضا و جوارح و واردات قلبی.

كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْطُبُ ، فَقَالَ : أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ صَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي انْصَاتٍ وَسُكُوتٍ وَكَفِّ سَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ مِنَ الْكُذْبِ وَ الْحَرَامِ وَالْغَيْبَةِ وَالْأَذَى ، قَرَبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تَمَسَّ رَكْبَتَاهُ رَكْبَتِي إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ . (1)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خُطِبَهُ مِیْ خَوَانَدِ وَ مِیْ فَرَمُود: «ای مردم! کسی که ماه رمضان روزه بگیرد در حال خاموشی با توجه، و حفظ و نگهداری کند گوش و چشم و زبانش را از دروغ و حرام و غیبت و اذیت به دیگران، در قیامت (مقام او به حدی می رسد و بالا می رود که) زانوهای او کنار زانوهای حضرت ابراهیم خلیل الرحمان نزدیک می شود و قرار می گیرد.

نظافت و پاکیزگی و معطر بودن

كان ابو عبدالله الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام . اذا صام يتطيّب و يقول: الطيب تحفة الصّائم. (2)

امام حسین علیه السلام هرگاه روزه می گرفت خود را خوشبو و معطر می نمود و

ص: 70

1- وسائل الشیعه، ج 7، ص 117

2- وسائل الشیعه، ج 7، ص 67

افطار کردن و افطاری دادن

1 _ مستحب است بعد از نماز مغرب و عشا افطار کند مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده باشد یا جمعی منتظر او باشند که در این صورت بهتر است اول افطار کند و با چیزی افطار کند که از حرام و شبهات، پاکیزه باشد و بهتر است که با خرما یا حلال افطار نماید تا ثواب نمازش چهارصد برابر گردد و موقع افطار تصدق کند و افطار دهد روزه داران را اگر چه به چند دانه خرما یا شربتی از آب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است کسی که افطار دهد روزه داری را، از برای او خواهد بود اجر آن روزه دار بدون آن که از اجر او چیزی کم شود و هم از برای او خواهد بود مثل آن عمل نیکویی که بجا آورده آن افطار کننده به قوه آن طعام (مفاتیح الجنان).

عن ابی عبد الله علیه السلام الافطار علی الماء یغسل ذنوب القلب.

امام صادق علیه السلام فرمود: «افطار نمودن با آب، شستشو می دهد آلودگیهای قلب را».

و نیز فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با شیرینی و اگر شیرینی نمی یافت با آب ولرم (نیمه گرم) افطار می نمود و می فرمود: که کبد و معده را شستشو می دهد و تمیز می نماید و دهان را خوشبو می سازد و دندانها و قرنيه چشم را محکم و چشم را تیزبین می نماید و گناهان را کاملاً می شوید و رگهای پرهیجان و صفرا را آرام می کند و بلغم را برطرف می نماید و حرارت معده را فرو می نشاند و درد سر را از بین می برد.»

2_ دعا در هنگام افطار:

قال الكاظم عليه السلام: ان لكل صائم عند فطوره دعوة مستجابة. (1)

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «برای هر روزه داری هنگام افطار، دعایی که از طرف خداوند مستجاب شود در نظر گرفته شده است.»

اذکار و ادعیه هنگام افطار

1_ ذکر شریف بسم الله الرحمن الرحيم.

2_ سوره قدر: انا انزلناه في ليلة القدر...

3_ دعای اللهم لك صمت و علی رزقك افطرت و علیک توکلت.

4_ دعای اللهم ربّ النور العظیم....

عن الصادق عليه السلام قال: قال: ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال لامير المؤمنين عليه السلام:

يا ابا الحسن! هذا شهر رمضان قد اقبل فاجعل دعاؤك قبل فطورك، فان جبرئيل جاءني فقال: يا محمد! من دعا بهذا الدعاء في شهر رمضان قبل ان يفطر استجاب الله دعاءه و قبل صومه عنه و صلواته، و استجاب له عشر دعوات، و غفر له ذنبه، و فرّج غمه، و نفس كربته، و قضى حوائجه و انحج طلبته، و رفع عمله مع اعمال النبيين و الصّديقين، و جاء يوم القيامة و وجهه اضوء من القمر ليلة البدر، فقلت: ما هو يا جبرئيل؟ فقال: اللهم ربّ النور العظیم... (2)

حضرت صادق عليه السلام فرمود: «که رسول خدا صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام

ص: 72

1- وسائل الشیعه، ج 7، ص 114 حدیث 8_ روضة المتقین ج 3، ص 375، 244، 243_ مکارم الاخلاق، ص 28

2- المراقبات، ص 100

فرمود: ای ابا الحسن! این ماه رمضان است که رو آورده، پس دعای خود را قبل از افطار مقرر بدار که همانا جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! کسی که در ماه رمضان قبل از افطار این دعا را بخواند، خداوند دعای او را مستجاب می گرداند و نماز و روزه او را قبول می نماید و خواسته او به ثمر خواهد رسید و عمل او با اعمال پیامبران و صدیقین بالا می رود و در روز قیامت در حالی وارد محشر می شود که صورت او از ماه شب بدر روشن تر است. پس گفتم: ای جبرئیل! آن دعا چه دعایی است؟ پس جبرئیل گفت: اللهم ربّ التّور العظیم...

اعمال مخصوص ماه رمضان به طور مختصر

1_ اعمالی که در هر شب و روز این ماه بجا آورده می شود

الف: خواندن دعا و استغفار و تسبیح و صلوات بسیار و خواندن دعاهای مخصوص بعد از هر فریضه مانند دعای «یا علی یا عظیم...» و «اللهم ارزقنی حج بیتک الحرام...» و «اللهم ادخل علی اهل القبور السّرور...» و نیز دعاهای دیگر.

ب: بسیار قرآن خواندن (چه آن که قرآن در این ماه نازل گشته و بهار قرآن ماه رمضان است) بنابراین بهتر است هر روز یک ختم یا هر سه روز یک ختم یا لااقل در تمام ماه یک ختم (هر روز یک جزء) تلاوت شود و اگر ثواب آن به روح معصومین علیهم السلام هدیه شود، اجر و پاداش آن مضاعف خواهد گردید.

2_ اعمال مخصوص روزهای ماه رمضان

الف: غسل اول ماه (وریختن کمی گلاب و آب بر سر و صورت)

ب: نماز مخصوص روز اول ماه (دو رکعت: در رکعت اول حمد و سوره فتح و در رکعت دوم حمد و هر سوره دیگر که خواست می خواند، با خواندن این نماز تا سال آینده در حفظ خدا خواهد بود) البته نماز سلمان نیز که ده رکعت است در این روز خوانده می شود، همچنین دو رکعت نماز اول

ص: 74

هر ماه مستحب است (دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سوره قدر (1) ضمناً روز ششم نیز دو رکعت نماز مخصوص خوانده می شود.

ج: دعاهای متعدّد مانند دعاهای مخصوص هر روز بعد از نماز و نیز دعای مخصوص «اللّٰهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ...» و دعاهای دیگر و نیز خواندن تسبیحات و صلوات و اذکار مخصوص، همچنین ذکر شریف صلوات حداقل در هر روز صد مرتبه.

3_ اعمال شبهای ماه رمضان

الف: اعمال شب اول.

1_ طلب هلال یا رؤیت ماه و خواندن دعاهای مخصوص آن از جمله دعای چهل و سوّم صحیفه سجّادیه.

2_ غسل شب اول ماه (که موجب رفع خارش بدن تا ماه رمضان آینده خواهد شد).

3_ دو رکعت نماز (در هر رکعت حمد و سوره انعام) و صدقه دادن.

4_ خواندن دعاهایی مانند دعای حج و جوشن کبیر و دعاهای دیگر.

5_ مجامعت با حلال خود.

ب: اعمال هر شب

1_ خواندن هر شب هزار مرتبه سوره قدر و نیز اگر میسر است سوره دخان.

2_ خواندن دعاهای مخصوص مانند دعای افتتاح «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَفْتَحُ...» و دعای

ص: 75

ابو حمزه ثمالی در سحر «الهی لاتودّبنی...» و دعای مخصوص سحر «اللهم انی اسئلك من بهائک...» و نیز دعاهاى خاصّ هر شبی.

3_ نمازهای مستحبی مخصوص هر شب (1) و نیز خواندن هزار رکعت نماز. در تمام شبهای ماه رمضان (امام صادق علیه السلام فرمود: «تصلي في شهر رمضان الف رکعة»)، در ماه رمضان هزار رکعت نماز بجا آور (2) تمام این هزار رکعت دو رکعت دو رکعت خوانده می شود و نشسته هم جایز است لکن ایستاده افضل می باشد به این ترتیب که از شب اول تا شب بیستم در هر شب بیست رکعت (ده تا دو رکعت مانند نماز صبح)، از شب بیست و یکم تا آخر ماه نیز هر شب سی رکعت و در هر یک از سه شب مشهور قدر نیز صد رکعت خوانده می شود.

4_ اعمال شبهای قدر

الف: اعمال مشترک هر سه شب قدر

1_ غسل (مقارن غروب آفتاب بهتر است)

2_ دو رکعت نماز (در هر رکعت بعد از حمد، هفت مرتبه سوره توحید). بعد از آن نماز، هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه

3_ احیا (قرآن مجید را در مقابل بگشاید و بگوید):

اللّهُمَّ انّی اسئلك بکتاب المنزل و ما فیهِ و فیهِ اسمک الاکبر و اسماءک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائک من التّار.

ص: 76

1- زاد المعاد (مرحوم علامه مجلسی) فصل آخر اعمال ماه رمضان

2- وسائل الشیعة، ج 5، ص 184

آنگاه قرآن را بر سر نهاده بگوید (اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته به و بحق كل مؤمن مدحته فيه و بحقك عليهم، فلا احد اعرف بحقك منك:

در همین هنگام هر یک از این اذکار را ده مرتبه بگوید.

بک یا الله، بمحمد، بعلی، بفاطمه، بالحسن، بالحسین، بعلی ابن الحسین، بمحمد بن علی، بجعفر بن محمد، بموسی بن جعفر، بعلی بن موسی، بمحمد بن علی، بعلی بن محمد، بالحسن بن علی، بالحجة.

4_ زیارت امام حسین علیه السلام.

5_ صد رکعت نماز و دعاهای مخصوص دیگر و نیز طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرت و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن (زنده و مرده) و اذکار و صلوات بر محمد و ال محمد صلی الله علیه و آله و نیز دعای جوشن کبیر ...

ب: اعمال خاص هر یک از سه شب:

شب نوزدهم:

1_ صد مرتبه «استغفرالله ربی و اتوب الیه»

2_ صد مرتبه «اللهم العن قتلة امیرالمؤمنین»

3_ دعاهای مخصوص مانند دعای «یا ذالذی کان...»

و دعای «اللهم اجعل فیما تقضی...»

شب بیست و یکم:

1_ مذاکره مسائل علمی

2_ دعاهای مخصوص مانند دعای «یا مولج اللیل...»

3_ فرستادن صلوات زیاد

ص: 77

4_ سعی و کوشش در نفرین بر ظالمان آل محمد علیهم السلام و لعن بر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام که در این شب حزن و اندوه آل محمد صلی الله علیه و اله و شیعیان زیاد می گردد.

شب بیست و سوم:

1_ خواندن سوره عنکبوت، دخان.

2_ دعاهای مخصوص مانند دعای «اللهم کن لولیک...» و دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه.

3_ غسل دیگر در آخر شب.

5_ اعمال شب سیزدهم (اول لیالی بیض)

1_5 غسل

2_5 چهار رکعت نماز (در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید)

3_5 دو رکعت نماز (در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الملک و توحید)

6_ اعمال شب پانزدهم

1_6 غسل

2_6 زیارت امام حسین علیه السلام

3_6 شش رکعت نماز (در هر رکعت حمد و پس و تبارک و توحید) و نمازهای مخصوص دیگر.

7_ شب بیست و هفتم (شب قدر)

اعمال شب قدر و نیز خواندن مکرر این دعا «اللهم ارزقني التجافی عن

ص: 78

8_ شب آخر ماه

8_1 غسل

8_2 زیارت امام حسین علیه السّلام

8_3 خواندن سوره انعام، كهف و يس.

8_4 صد مرتبه «استغفر الله و اتوب اليه»

8_5 دعاهاى مخصوص مانند دعای «اللهم هذا شهر رمضان...» و نیز دعای یا مدبّر الامور...».

8_6 وداع ماه رمضان (دعای چهل و پنج صحیفه سجّادیه)

8_7 خواندن ده رکعت نماز مخصوص و هزار مرتبه استغفار بعد از آن.

9_ شب عید فطر

9_1 غسل (هنگام غروب آفتاب) و غسل دیگر (در آخر شب)

9_2 احیا، (دعا و استغفار...)

9_3 زیارت امام حسین علیه السّلام

9_4 خواندن ده رکعت نماز مخصوص (مانند همان نماز آخر شب) و نمازهای مخصوص دیگر.

9_5 دعاهاى مخصوص مانند دعای «یا دائم الفضل... ده مرتبه». (1)

ص: 79

ماه رمضان پایان یافت، در حالی که زندگی و حرکت جدید روزه داران آغاز شده، ماه رمضان همچون امواج خروشان دریا بر قلبهای مؤمنان گذشت و همه زنگارهای گناه را پاک و بر طرف ساخت، ماه رمضان بر ما گذشت، در حالی که پر از نعمت و رحمت الهی بود، روزهای آن شتابان رفت اما آثار نیک آن همواره باقی است، بهار قرآن گذشت اما شکوفه های تقوا که بر سرزمین اندیشه ها و اعمال روئیده است هر چه با شکوهتر به رشد خود ادامه می دهد، باران رحمتی که در ماه رمضان جاری شد، سیاهی را به روشنایی، گمراهی را به هدایت، خود پرستی را به خدا پرستی، مال پرستی را به ایثار و باطل را به حق تبدیل کرد. ماه رمضان بر ما گذشت در حالی که در میدان جهاد اکبر ما را به پیروزی رساند و نعمتهای وصف ناپذیری از قبیل آمرزش گناهان، انفاق و ایثار، نیز وحدت و همبستگی را برای امت اسلام به ارمغان آورد، بدبخت آنان که پس از گذشتن این ماه رحمت و هدایت، هنوز نتوانسته اند خود را از فسادها و وابستگیها رها و پاک سازند و نیز بدبخت آنان که در باران رحمت ماه رمضان خود را شستشو دهند، اما پس از آن بار دیگر شیطان هزار چهره فریشان دهد و آنان را دچار لغزش، فساد و آلودگی کند.

به امید آن که نسبت به پیمانی که در لحظه لحظه ماه رمضان با خدا و

رسول او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسْتِيمِ هَمواره متعهد باشیم و با یاری خدا بر تلاش و حرکتمان به سوی مبدأ نور بیفزاییم و باگذشتن ماه رمضان زندگانی جدید خودمان را با معیارهایی که دین مبین اسلام به ما داده، ادامه دهیم ان شاء الله. و اینک سخن امام سجاد علیه السلام را که در پایان ماه رمضان فرموده اند، یادآور می شویم:

اللهم انت ولي ما آثر تنابه من معرفته، و هديتنا له من سنته و قد تولينا بتوفيقك صيامه و قيامه على تقصير و ادينا فيه قليلا من كثير، اللهم فلك الحمد اقراراً بالاساءة...

پروردگارا شناخت ما نسبت به عظمت ماه مبارک رمضان، در نتیجه لطف و رحمت تو بوده و هدایت تو سبب شده که ما بتوانیم راه حق را دریابیم، پروردگارا! گر چه روزه و عبادات این ماه بزرگ را انجام دادیم اما می دانیم که در انجام آنها کوتاهی بسیار کرده ایم و اعتراف می کنیم که تنها عبادت اندکی در حد توانایی کم خودمان انجام دادیم نه آن چنان که شایسته مقام والای تو باشد. پروردگارا! در حالی تو را حمد و ستایش می گوئیم که به بدکرداری و کوتاهی خودمان اعتراف می کنیم، پس ای خدای مهربان! خطاهای ما را بپوشان و اجر و جزای کامل به ما عنایت فرما. پروردگارا! توبه و بازگشت ما را بپذیر و عمر ما را تا ماه رمضان دیگر پایدار ساز. پروردگارا! در ماه رمضان آینده ما را بر انجام عبادت و دستورهايت آن چنان که شایسته عظمت تو است یاری فرما. پروردگارا! ما را به ایمان و عمل صالح موفق دار آن چنان که توانایی آمدن به سوی تو و به تعالی رسیدن را داشته باشیم. پروردگارا! خطاهایی را که در ماه رمضان به آن نزدیک شدیم یا انجام دادیم و نیز گناهی را که زیر بار آن رفتیم و از روی عمد یا اشتباه مرتکب شدیم همه را عفو کن و ما را ببخشای، پروردگارا! اگر در این ماه گناهی کرده ایم و

بر خود ستم روا داشته ایم، همه آنها را با پرده مغفرت پوشان. و به سبب خطاهایمان ما را رسوا مساز و زبان نکوهش کنندگان را بر ما مگشا و با مهربانی خودت که همیشگی است و هرگز قطع نمی شود ما را به عباداتی هدایت کن که سبب آمرزش گناہانی شود که از ما سرزده. پروردگارا! با گذشتن ماه رمضان از گناہان ما بگذر و با بیرون رفتن از این ماه، ما را از همه بدی هایمان بیرون کن و نجات ده پروردگارا با گذشتن ماه رمضان، ما را از نیکوترین کسانی قرار ده که از لحظه لحظه این ماه برای رشد و تعالی به سوی تو بهره برداری کردند و ماه رمضان در حالی بر آنها گذشت که بهترین نتیجه ها و بالاترین پاداشها را به دست آوردند. پروردگارا! با بخشش و رحمت خودت ما را از آنان قرار ده که ماه رمضان را آن چنان که شایسته عظمت آن است گذراندند و دستورات آن را با ایمان و اخلاص رعایت کردند و از ارتکاب به هر گناه و خطایی دوری گزیدند و با همه توان و قدرت در اجرای احکامش کوشش و ایستادگی کردند و با اعمال شایسته به سوی تو تقرب یافتند. پروردگارا! ما را از آنان قرار ده که پاداشی چندین برابر به آنان عطا فرمودی زیرا که رحمت تو هیچگاه کاسته نمی شود و گنجینه های فضل و بخشش هرگز کم نمی گردد. پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و پاداش کسی را به ما عنایت کن که تا روز قیامت، همه ماههای رمضان را روزه می گیرد و تا روز قیامت برای تو و در راه تو تلاش و کوشش می کند و هیچ گاه در عبادت تو کوتاهی و سستی نمی کند. (1)

ص: 82

رمضان سایه مهر از سرما می گیرد *** بال رأفت که فرو داشت فرا می گیرد
چون نگیرد دلم از رفتن ماه شب قدر *** که خدا سایه مهر از سرما می گیرد
چشم من تار شد از عینک این غم، عجباً *** نه غباری و نه ابری و هوا می گیرد
دل که ماهِ عَسَلَش بود و عروسی این ماه *** در وداعش نه عجب گر که عزا می گیرد
نعمتی بود خدا داده که کُفران کردیم *** لاجرم نعمتِ خود داده، خدا می گیرد
روزه هم در رمضان خوش که به جمع است و آداست *** ناخوش آن روزه که به ناخوش به قضا می گیرد
تاکس از دل مزه طاعت و تقوا نچشید *** چه بسا روزه به عنف و به ریا می گیرد
لذت ذوق و صفای شب قدرش ندهند *** روزه آن گونه به ذوق و به صفا می گیرد
رمضان جلوه جان می دهد و صیقل روح *** وه گر او آینه دل چه جلا می گیرد
اهل ایمان به شب عُرّه به چشم و به چراغ *** از هلال رمضان نور و ضیا می گیرد

رمضان دار شفایی است که هر جان و دلی *** داروی دردی از این دار شفا می گیرد
وانکه با جمله اعضا و جوارح، به جهاد *** روزه با سنگ تمام و بسزا می گیرد
در شب قدر اگر دست دهد دامن دوست *** دلخواه دو جهان، دست دعا می گیرد
عرش رحمن به ندایی خفی آن شب خواناست *** و آن سراغی است که از اهل وفا می گیرد
روزه با فطره امان است و برات شب قدر *** هر که شد در دو جهان کامروا می گیرد
حقّ مظلوم اداگر نکنی خود به وفا *** مطمئن باش که ظالم به جفا می گیرد
هر که حلوائی ارادت به دهانش مزه کرد *** از خدا خلعت تسلیم و رضا می گیرد
شاعران را صله از دست امیر است و وزیر *** شهریار این صله از دست خدا می گیرد

تبریز _ شب عید فطر / 1391 قمری آبان / 1350

بخش دوم : احكام روزه

اشاره

بخش دوم : احكام روزه

ص: 85

روزه که در عربی از آن به صوم و صیام تعبیر می شود در لغت به معنی امساک و در اصطلاح شرعی به معنی خودنگهداری از مفطرات است از اذان صبح تا مغرب شرعی.

الصَّوْمُ فِي الْأَصْلِ الْأَمْسَاكُ عَنِ الْفِعْلِ مَطْعَمًا كَانُ أَوْ كَلَامًا أَوْ مَشْيًا وَلِذَلِكَ قِيلَ لِلْفَرَسِ الْمَمْسُكِ عَنِ السَّيْرِ وَالْعَلْفُ صَائِمٌ، وَالصَّوْمُ فِي الشَّرْعِ أَمْسَاكُ الْمَكْلُفِ بِالنِّيَّةِ مِنَ الْخَيْطِ الْأَبْيَضِ إِلَى الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنْ تَنَاوُلِ الْأَطْيَبِينَ... (1)

یعنی روزه در اصل امساک و خودنگهداری از فعل است چه از غذا و چه از کلام یا راه رفتن و بر همین اساس به اسبی که از رفتن امتناع می ورزد یا از علف خوردن امتناع می کند صائم می گویند، و در اصطلاح شرعی (و فقهی) به معنای امساک و خودنگهداری مکلف با داشتن نیت از اول طلوع فجر تا شبانگاه از خوردن و سایر مفطرات است.

بنابراین به کسی که از اذان صبح تا مغرب شرعی از (مفطرات) چیزهایی

ص: 86

که روزه را باطل می کند برای انجام فرمان خداوند عالم، امساک و خودداری کند صائم (روزه دار) می گویند.

روزه (در غیر موارد خاص مانند نذر و غیره) به طور عموم در هر سال یک ماه مبارک رمضان بر همه مکلفین واجب می شود کلمه رمضان نیز در اصل از رمض و جمع او رمضانات به معنی شدت تابش خورشید بر ریگ و غیره است که چون در زمان نامگذاری ماهها، ماه رمضان در ایام شدت حرارت و تابش شدید خورشید بر زمین واقع شد به این نام نامیده شد بنابراین رمضان اسم است برای ماه مخصوص و البته در مورد علت نامگذاری این ماه به رمضان اقوال متعدد دیگری نیز می باشد. چنانچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که آن حضرت فرمود: رمضان را رمضان می گویند چون گناهان را می سوزاند و می آمرزد (یرمض الذنوب) [\(1\)](#)

ص: 87

1- وقایع الايام، ص 136. خزينة الجواهر، ص 275

اول ماه به پنج چیز ثابت می شود:

1_ آن که خود انسان ماه را ببیند.

2_ عده ای که از گفته آنان یقین پیدا میشود بگویند ماه را دیده ایم و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.

3_ دو مرد عادل بگویند در شب ماه را دیده ایم...

4_ سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه آن اول ماه رمضان ثابت می شود و سی روز از اول ماه رمضان بگذرد که به واسطه آن ماه شوال ثابت می شود.

5_ حاکم شرع حکم کند که اول ماه است. (مسأله 1730)

توجه: اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است کسی هم که تقلید او را نمی کند باید به حکم او عمل نماید ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده، نمی تواند به حکم او عمل نماید. (مسأله 1731)

اول ماه به چند چیز ثابت نمی شود

1_ (با پیشگویی منجمین) ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند باید به آن عمل نماید. (مسأله 1732)

2_ (بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن) که دلیل نمی شود که شب پیش، اول ماه بوده. (مسأله 1733)

3_ تلگراف مگر دو شهری که از یکی به دیگری تلگراف کرده اند نزدیک یا هم افق باشند و انسان بداند که تلگراف از روی حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل بوده است. (مسأله 1736)

توجه:

1_ اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد مگر آن که دو شهر با هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آنها یکی است. (مسأله 1735)

2_ اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود و روزه نگیرد چنانچه دو مرد عادل بگویند که شب پیش، ماه را دیده ایم باید روزه آن روز را قضا نماید. (مسأله 1734)

روزی که رمضان بودن آن مشکوک است

الف: شک دارد آخر شعبان است با اول رمضان

1_ این روز را واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی تواند نیت روزه رمضان کند ولی اگر نیت روزه قضا و مانند آن بنماید، چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، رمضان حساب می شود. (مسأله 1568)

2_ این روز اگر به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند. (مسأله 1569)

ب: شک دارد آخر رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است با افطار کند. (مسأله 1737)

توجه:

اگر یقین کند که روز اول رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند بعد معلوم شود آخر شعبان بوده، کفاره بر او واجب نیست. (مسأله 1676)

توجه:

اگر شک دارد که آخر رمضان است یا اول شوال و عمداً روزه خود را باطل کند بعد معلوم شود اول شوال بوده، کفاره بر او واجب نیست. (مسأله 1677)

ص: 89

- 1_ لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می گیرم، بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است و برای این که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید. (مسأله 1550)
- 2_ اگر بخواهد غیر روزه رمضان دیگری بگیرد باید آن را معین نماید (مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم) ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم بلکه اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند روزه ماه رمضان حساب می شود. (مسأله 1555)
- 3_ اگر مثلاً به نیت روزه اول ماه روزه بگیرد بعد بفهمد دوم یا سوم بوده روزه او صحیح است. (مسأله 1557)
- 4_ اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود روزه اش صحیح است. (مسأله 1560)
- 5_ اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد روزه اش باطل است ولی چنانچه نیت کند که چیزی که روزه را باطل می کند بجا آورد در صورتی که آن را انجام ندهد روزه اش باطل نمی شود. (مسأله 1570)

وقت نیت :

1_ روزهای ماه رمضان:

1_1 انسان میتواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید.
(مسأله 1551)

2_1 نیت روزه ماه رمضان وقت معین ندارد تا اذان صبح هر وقت نیت روزه فردا بکند اشکال ندارد. (مسأله 1552)

2_ روزه واجب غیر رمضان :

1_2 واجب معین

1_2_1 مانند روزه نذری، که روز معینی را نذر کرده روزه بگیرد چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند روزه اش باطل است و اگر نداند که روزه آن روز بر او واجب است یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت کند روزه او صحیح و گرنه باطل می باشد. (مسأله 1564)

2_2 واجب غیر معین

1_2_2 مثل روزه کفاره که اگر عمداً تا نزدیک ظهر نیت نکند اشکال ندارد بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد یا تردید داشته باشد که بگیرد یا نه چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و پیش از ظهر نیت کند روزه او صحیح است. (مسأله 1565)

3_ روزه مستحبی:

وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند روزه او صحیح است. (مسأله 1553)

تعیین نوع روزه در نیت

تعیین نوع روزه در نیت

1_ (رمضان) در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم و بنابراین اگر:

1_1 نداند ماه رمضان است .

1_2 فراموش کند (و روزه دیگری را نیت کند)

روزه ماه رمضان حساب می شود

1_3 بداند ماه رمضان است و عمداً نیت روزه غیر رمضان کند.

نه روزه ماه رمضان حساب می شود، نه روزه ای که قصد کرده است.

4_ به نیت روز اول ماه روزه بگیرد بعد بفهمد دوم یا سوم بوده: روزه او صحیح است.

2_ (غیر رمضان) مانند:

1_2 روزه قضا

2_2 روزه نذر

باید تعیین کند مثلاً نیت کند که روزه قضا می گیرم .

ص: 92

نیت روزه پیش از ظهر و بعد از نظر

نیت روزه پیش از ظهر و بعد از ظهر:

1_ اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود چنانچه کاری که روزه را باطل می کند.

1_1 انجام داده باشد یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است (روزه او باطل می باشد ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و بعد از رمضان آن روزه را قضا نماید). (مسأله 1561)

1_2 انجام نداده باشد (باید نیت کند و روزه او صحیح است).

2_ کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است.

1_2 اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند (روزه او صحیح است چه روزه او واجب باشد یا مستحب) (مسأله 1554)

2_2 اگر بعد از ظهر بیدار شود (نمی تواند نیت روزه واجب نماید).

3_ شخص مریض:

1_3 اگر پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد (باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد). (مسأله 1567)

2_3 اگر بعد از ظهر خوب شود روزه آن روز بر او واجب نیست.

ص: 93

انواع روزه ها

1_ واجب:

1_1 روزه ماه رمضان.

2_1 قضای روزههای ماه رمضان در مواردی که قضا واجب است.

3_1 قضای روزه های پدر که بعد از مرگ او بر پسر بزرگتر واجب است.

4_1 روزه ای که به واسطه نذر، عهد و قسم واجب می شود.

5_1 روزه کفاره.

2_ مکروه:

1_2 روز عاشورا.

2_2 روزی که انسان شک دارد عرفه است یا عید قربان.

3_2 روز عرفه برای کسی که به واسطه روزه برای خواندن دعاهای آن روز ضعف پیدا کند. (مسأله 1747)

3_ مستحب:

1_3 عید نوروز.

2_3 سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه

3_3 پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه، و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است.

4_3 تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه اگرچه یک روز باشد.

5_3 روز مبعث پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله ، (27 رجب).

6_3 روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذیقعد.

7_3 عید سعید غدیر (18 ذیحجه).

8_3 روز اول تا روز نهم ذیحجه (روز عرفه).

9_3 میلاد مسعود پیامبر اکرم (ص) (17 ربیع الاول).

10_3 روز اول و سوم محرم (مسأله 1748)

4_ حرام

در صفحه بعد

ص: 94

حرام:

1_ روز عید فطر (اول شوال)

2_ روز عید قربان (دهم ذیحجه)

3_ روزه زنی که در حال حیض یا نفاس است.

4_ اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود، بلکه اگر حق شوهرش هم از بین نرود ولی شوهر او از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کند (بنابر احتیاط واجب باید خودداری کند (مسأله 1740)

5- روزه مستحبی اولاد اگر باعث اذیت پدر و مادر یا جد شود بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود ولی او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند (احتیاط واجب آن است که روزه نگیرد). (مسأله 1741)

6_ روزه مسافری که نماز او شکسته است.

7_ روزی را که انسان نمی داند اول شعبان است یا اول رمضان اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد.

8_ روزه ای که ضرر دارد.

توجه: روزه تمام روزهای سال غیر از روزه های حرام و مکروه که گفته شد، مستحب است و برای بعضی از روزها که ذکر شد بیشتر سفارش شده است و اگر کسی روزه مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر برساند بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند مستحب است دعوت او را قبول کند و در بین روز اگرچه بعد از ظهر باشد، افطار نماید.

ص: 95

ضرر داشتن روزه:

1_ می داند که ضرر ندارد (اگرچه دکتر بگوید ضرر دارد) باید روزه بگیرد.

2_ عقیده اش این است که ضرر ندارد و روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد ضرر داشته (باید قضای آن را بجا آورد).

3_ یقین یا گمان دارد که روزه ضرر دارد، اگرچه دکتر بگوید ضرر ندارد (باید روزه نگیرد) و اگر روزه بگیرد صحیح نیست.

4_ احتمال ضرر دهد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود (چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، نباید روزه بگیرد و اگر گرفت صحیح نیست مگر آنکه به قصد قربت گرفته باشد و بعد معلوم شود ضرر نداشته). (مسائل 1743 - 1744 - 1745)

توجه:

زن می تواند روزه قضا بگیرد اگرچه شوهر اجازه ندهد و اولاد نیز همچنین اگرچه پدر و مادر نهی کنند.

تذکر:

اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد و در بین روز پدر او را نهی کند باید افطار نماید. (مسأله 1742)

توجه:

کسی که برای بجا آوردن روزه میتی اجیر شده اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد. (مسأله 1563)

کسی که روزه قضا یا واجب دیگری دارد نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کند و روزه مستحبی بگیرد:

• 1_ در صورتی که پیش از ظهر یادش بیاید (روزه مستحبی او به هم می خورد و می تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند).

• 2_ اگر بعد از ظهر ملتفت شود (روزه او باطل است).

• 3_ اگر بعد از مغرب یادش بیاید (روزه او صحیح است اگر چه بی اشکال نیست).

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست:

1_ کسی که به واسطهٔ پیری نتواند روزه بگیرد یا برای او مشقت دارد. (مسأله 1725)

2_ اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و نمیتواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد. (مسأله 1727)

3_ (زن حامله) زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد.

4_ (زن حامله) زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد. (مسأله 1728)

5_ زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه ضرر دارد.

6_ زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد. (مسأله 1729)

7_ مسافری که نماز او شکسته است روزه نیز بر او واجب نیست و بعد باید قضا نماید.

8_ زن حائض یا زنی که در حال نفاس است.

تذکر:

مسائل مربوط به پیران، مریضها و زنان معذور و مسافر به طور کامل در بحث قضای روزه و كفاره یک مد طعام و روزهٔ مسافر خواهد آمد.
ان شاء...

توجه:

اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود باید روزه بگیرد و اگر بعد از اذان بالغ شود روزه آن روز بر او واجب نیست. (مسأله 1562)

ص: 97

برای 6 دسته مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند از کاری که روزه را باطل می کند خودداری نمایند.

1_ مریضی که بعد از ظهر خوب شود.

2_ مریضی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد.

3_ مسافری که در سفر، کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد و پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد.

4_ مسافری که بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روزه در آن جا بماند، برسد.

5_ زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود.

6_ کافری که در روز ماه رمضان مسلمان شود. (مسأله 1749)

مبطلات روزه

مبطلات روزه:

1_ خوردن و آشامیدن.

2_ جماع.

3_ استمناء.

4_ دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم السّلام

5_ رساندن غبار غلیظ به حلق.

6_ فرو بردن تمام سر در آب .

7_ باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح.

8_ اماله کردن با چیزهای روان.

9_ قی کردن (استفراغ کردن).

توجه: غیر از این نه چیز، هیچ چیز دیگری روزه را باطل نمی کند و اما گناهای نظیر:، غیبت، تهمت دروغ و... موجب بطلان روزه نخواهد شد اگرچه حرام است و ثواب و اجر روزه را کم می نماید چنانچه چیزهایی هم هست که ثواب روزه را زیاد می گرداند. و همچنین

یازده چیز هم وجود دارد که برای شخص روزه دار مکروه است (یعنی بهتر است آنها را انجام ندهد) که خواهد آمد.

ص: 98

خوردن و آشامیدن

خوردن و آشامیدن:

1_ عمداً: روزه باطل است چه خوردن و آشامیدن آن چیز، معمول باشد مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شیره درخت و چه کم باشد یا زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان ببرد و رطوبت آن را فرود برد، روزه او باطل می شود مگر آن که رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود. (مسأله 1573)

2_ سهواً: روزه باطل نیست. (مسأله 1575)

ص: 99

چیزهایی که در حکم خوردن و آشامیدن است و روزه را باطل می کند

1_ چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد (مسأله 1577)

2_ فرو بردن اخلاط سر و سینه، در صورتی که داخل فضای دهان شود (بنابر احتیاط واجب). (مسأله 1580)

3_ استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود (بنابر احتیاط واجب) (مسأله 1576)

4_ اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود چنانچه پیش از اذان خلال نکند و چیزی از آن فرو رود، روزه اش باطل می شود، بلکه اگر فرو هم نرود بنابر احتیاط واجب باید قضای آن روز را بگیرد. (مسأله 1578)

5_ جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی رسد اگرچه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی کند ولی اگر انسان از اوّل بداند به حلق می رسد چنانچه فرو رود، روزه اش باطل می شود و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب است. (مسأله 1582)

چیزهایی که در حکم خوردن و آشامیدن نیست و روزه را باطل نمی کند:

1_ فرو بردن آب دهان اگرچه به واسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد. (مسأله 1579)

2_ فرو بردن اخلاط سر و سینه و سینه تا به فضای دهان نرسیده. (مسأله 1580)

3_ استعمال آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به جای دوا استعمال می شود. (مسأله 1576)

4_ جویدن غذا برای بچه یا پرنده یا چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی رسد. اگر چه اتفاقاً به حلق برسد. (مسأله 1582)

دو صورت تشنگی و ضعف شدید را می تواند روزه خود را بخورد :

1_ (تشنگی شدید) اگر به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد می تواند به اندازه ای که از مردن نجات پیدا کند، آب بیاشامد ولی روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد باید بقیه روز از بجا آوردن کاری که روزه را باطل می کند، خودداری کند. (مسأله 1581)

2_ (ضعف شدید) انسان نمی تواند برای ضعف روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری شدید است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، اشکال ندارد. (مسأله 1583)

جماع

2_ جماع

جماع روزه را باطل می کند اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید. (مسأله 1584)

اقسام و احکام جماع در ماه رمضان:

1_ در شب (حلال).

2_ در روز که دو صورت دارد: 1_ به خاطر یک عذری روزه نیست (مکروه) 2_ روزه است (حرام)

3_ عمدتاً و با اختیار (حرام و کفاره واجب می شود)

4_ فراموش کند روزه است.

5_ (بی اختیار): روزه باطل نیست.

6_ در بین جماع یادش بیاید 7_ طوری شود که دیگر مجبور نباشد. : باید فوراً از جماع خارج شود والا روزه باطل است.

8_ کمتر از ختنه گاه داخل شود و منی بیرون نیاید (روزه باطل نیست).

9_ شک کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه (روزه صحیح است). (مسائل 1585_ 1586_ 1587)

جماع جبری:

1_ اگر زن، شوهر روزه دار خود را مجبور کند به جماع (واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد). (مسأله 1679)

2_ شوهر همسر خود را مجبور کند:

1_2 زن در بین جماع راضی شود (باید مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد).

2_2 اگر با اراده و اختیار عمل را انجام دهد اگرچه مجبورش کرده باشد (باید کفاره خودش و زن را بدهد). (مسأله 1680)

3_ اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است، جماع کند (یک کفاره بر او واجب می شود و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست). (مسأله 1681)

توجه:

کسی که به واسطه مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به جماع کند ولی اگر او را مجبور کند بنا بر احتیاط واجب باید کفاره اش را بدهد. (مسأله 1683)

ص: 102

اگر روزه دار استمناء کند؛ یعنی با خود کاری کند که از او منی بیرون آید روزه اش باطل می شود. (مسأله 1588)

احکام بیرون آمدن منی:

1_ با اختیار: در این صورت روزه باطل است.

2_ بی اختیار:

1_2 در خواب: روزه اش صحیح است اگرچه بدانند با خوابیدن در روز محتلم می شود (یعنی در خواب منی از او بیرون می آید). (مسأله

1590)

2_2 در بیداری:

1_2_2 اگر بی اختیار از او منی بیرون آید روزه اش باطل نیست

2_2_2 ولی اگر کاری کند که بر حسب عادت او بی اختیار منی بیرون آید، روزه اش باطل می شود. (مسأله 1589)

3_ با قصد : اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری بکند.

1_3 در صورتی که منی بیرون نیاید روزه باطل نیست.

2_3 در صورتی که منی بیرون بیاید روزه باطل است .

(مسائل 1594 و 1657)

4_ بدون قصد: اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند :

1_4 در صورتی که عادت نداشته باشد که بعد از بازی و شوخی منی از او خارج شود اگرچه اتفاقاً منی بیرون آید (روزه او صحیح است).

2_4 ولی اگر شوخی را ادامه دهد تا آن جا که نزدیک است منی خارج شود و خودداری نکند تا خارج گردد (روزه او باطل است). (مسأله

1595)

توجه:

به درس 8 رساله آموزشی، بحث استبراء مراجعه شود، سپس به این 2 مسأله توجه شود.

روزه داری که محتمل شده :

1_ می تواند بول کند و به دستوری که در درس 8 آمده استبراء کند ولی اگر بداند به واسطه بول یا استبراء کردن باقیمانده منی از مجری بیرون می آید در صورتی که غسل کرده باشد، نمی تواند استبراء کند. (مسأله 1592)

2_ اگر بداند منی در مجری مانده و در صورتی که پیش از غسل بول نکند بعد از غسل منی از او بیرون می آید بنا بر احتیاط واجب باید پیش از غسل بول کند. (مسأله 1593)

دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی الله علیه وآله

4_ دروغ بستن به خدا و پیغمبر صلی الله علیه وآله

دروغ بستن به خدا و پیامبر چند صورت دارد:

1_ اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگرچه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا علیها السلام و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند. (مسأله 1596)

2_ اگر چیزی را با اعتقاد به این که راست است از قول خدا یا پیغمبر نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده، روزه اش باطل نمی شود (مسأله 1598)

3_ اگر بداند دروغ بستن به خدا و پیغمبر روزه را باطل می کند و چیزی را که می داند دروغ است به آنان نسبت دهد و بعداً بفهمد آنچه را که گفته، راست بوده روزهاش صحیح است. (مسأله 1599)

تذکر:

اگر از روزه دار پرسند که آیا پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم چنین مطلبی فرموده اند و او، جایی که در جواب باید بگوید نه، عمداً بگوید، بلی یا جایی که باید بگوید بلی، عمداً بگوید نه، روزه اش باطل می شود.

(مسأله 1601)

اگر انسان بخواهد خبری را که نمی داند راست است یا دروغ، نقل کند و روزه اش هم باطل نشود به یکی از این راهها باید عمل کند.

• بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته نقل کند.

• بنا بر احتیاط واجب از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده، نقل نماید.

• اگر خودش هم خبر دهد روزه اش باطل نمی شود. (مسأله 1597)

اگر دروغی را که دیگری ساخته:

1_ عمداً به خدا و پیغمبر صلی الله علیه وآله و جانشینان پیغمبر نسبت دهد، روزه اش باطل می شود.

2_ ولی اگر از قول کسی که آن دروغ را ساخته، نقل کند اشکال ندارد. (مسأله 1600)

تذکر:

اگر از قول خدا یا پیغمبر حرف راستی را بگویند، بعد بگویند دروغ گفتم، یا در شب دروغی را به آنان نسبت دهد و فردای آن روز که روزه می باشد، بگویند آنچه دیشب گفتم راست است، روزه اش باطل می شود. (مسأله 1652)

ص: 105

رساندن غبار غلیظ به حلق

رساندن غبار غلیظ به حلق

1_ رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می کند چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است (مثل آرد) یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است. (مسأله 1603)

2_ روزه دار باید بخار غلیظی که در دهان مبدل به آب می شود و نیز بنابر احتیاط واجب دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را به حلق نرساند. (مسأله 1603)

3_ اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند یا بی اختیار، غبار و مانند آن به حلق او برسد روزه اش باطل نمی شود و چنانچه ممکن است باید آن را بیرون آورد. (مسأله 1607)

اگر از رسیدن غبار به حلق مواظبت نکند:

1_ و به واسطه باد، غبار غلیظی پیدا شود (با این که متوجه است) و به حلق برسد روزه اش باطل می شود. (مسأله 1604)

2_ و غبار یا بخار یا دود و مانند اینها داخل حلق شود چنانچه یقین داشته باشد که به حلق نمی رسد روزه اش صحیح است. (مسأله 1606)

ص: 106

فرو بردن سر در آب

6_ فرو بردن سر در آب

مواردی که به خاطر سر زیر آب رفتن روزه باطل می شود

- عمداً و تمام سر، اگرچه باقی بدن از آب بیرون باشد (بنابر احتیاط واجب) باید قضای آن روزه را بگیرد. (مسأله 1608)
- اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند (روزه باطل می شود). (مسأله 1611)
- اگر عادتاً با افتادن در آب سرش زیر آب می رود چنانچه با توجه به این مطلب خود را در آب بیندازد و سرش زیر آب برود (روزه اش باطل می شود). (مسأله 1614)
- اگر برای نجات کسی از غرق شدن سر را در آب فرو برد اگرچه نجات دادن او واجب باشد (روزه اش باطل می شود). (مسأله 1618)

توجه:

احتیاط واجب آن است که سر را در گلاب فرو نبرد ولی در آبهای مضاف دیگر و در چیزهای دیگری که روان است اشکال ندارد. (مسأله 1612)

ص: 107

مواردی که به خاطر سر زیر آب رفتن روزه باطل نمی شود:

1_ سهواً (بی اختیار) در آب بیفتد. (مسأله 1613)

2_ فراموش کند که روزه است.

3_ شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه. (مسأله 1610)

4_ نصف سر یک دفعه و نصف دیگر دفعه دیگر در آب فرو رود. (مسأله 1609)

توجه: اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد روزه باطل نمی شود. (مسأله 1608)

کسی که روزه است و به نیت غسل سر را در آب فرو برد:

1_ اگر بداند که روزه است و عمداً برای غسل سر را در آب فرو برد، چنانچه روزه او مثل روزه رمضان، واجب معین باشد، بنابر احتیاط واجب باید دوباره غسل کند و روزه را هم قضا نماید و اگر روزه مستحب یا روزه واجبی باشد که مثل روزه کفاره وقت معینی ندارد، غسل، صحیح و روزه باطل می باشد. (مسأله 1617)

2_ و اگر فراموش کند که روزه است، روزه و غسل او صحیح است. (مسأله 1616)

تذکر:

اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد یا دیگری به زور سر او را در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است یا آن کس، دست خود را بردارد باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد، روزه اش باطل می شود. (مسأله 1615)

ص: 108

باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

7_ باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح:

جُنُبِي که تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمّم است تیمّم ننماید

1_ عمداً اگر باشد روزه باطل است. (مسأله 1619)

2_ غیر عمد اگر باشد (مثل این که دیگری نگذارد غسل و تیمّم کند) روزه اش صحیح است. (مسأله 1620)

3_ اگر غسل را فراموش کند

3_1 و بعد از یک روز یادش بیاید، باید روزه آن روز را قضا نماید.

3_2 و بعد از چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده، قضا نماید (مثلاً اگر نمی داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید سه روز را قضا کند). (مسأله 1622)

توجه:

احکام مربوط به باقی ماندن بر حیض و نفاس تا اذان صبح و بقیه مسائل مربوط به بانوان در کتاب احکام بانوان مفصل ذکر شده است.

ص: 109

1_ اگر روزه دار در روز محتلم شود واجب نیست فوراً غسل کند. (مسأله 1632)

2_ هر گاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده اگر چه بداند پیش از اذان صبح محتلم شده روزه اش صحیح است. (مسأله 1633)

3_ کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد اگر خود را جنب کند، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود، ولی اگر برای تیمم وقت دارد چنانچه خود را جنب کند، با تیمم روزه اش صحیح است ولی گناه کار است. (مسأله 1623)

4_ کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است ولی معصیت کار است. (مسأله 1621)

5_ کسی که می خواهد روزه رمضان را بگیرد هرگاه تا اذان صبح جنب بماند اگر چه از روی عمد نباشد روزه او باطل است. (مسأله 1634)

6_ اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان و قضای آن تا اذان صبح جنب بماند ولی از روی عمد نباشد روزه اش صحیح است. چه وقت آن معین باشد و چه نباشد. (مسأله 1636)

7_ کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد اگر بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده و بداند پیش از اذان محتلم شده است چنانچه وقت قضای روزه تنگ است مثلاً پنج روز، روزه قضای ماه رمضان دارد و پنج روز هم به رمضان مانده است. بعد از رمضان عوض آن را بجا آورد و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست باید روز دیگر روزه بگیرد و در هر صورت این روز را لازم نیست روزه بگیرد. (مسأله 1935)

کسی که در شب ماه رمضان جنب است :

1_ و می داند یا احتمال می دهد اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود

● 1_1 چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند (روزه اش صحیح است). (مسأله 1627)

● 2_1 چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیدار شدن باید غسل کند در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند (روزه اش صحیح است). (مسأله 1628)

● 3_1 چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه یا در صورتی که بخوابد و بیدار نشود (روزه اش باطل است). (مسأله 1629)

2_ و می داند اگر بخوابد تا اذان صبح بیدار نمی شود نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود (روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود). (مسأله 1625)

3_ اگر بخوابد و بیدار شود، چنانچه احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد بیدار می شود برای غسل، می تواند بخوابد. (مسأله 1626)

4_ (و با این حال) بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان بیدار می شود و تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود باید روزه آن روز را قضا کند و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد ولی کفاره بر او واجب نمی شود. (مسأله 1630)

توجه: خوابی که در آن محتمل شده نباید خواب اول حساب کرد بلکه اگر از آن خواب بیدار شود و دوباره بخوابد، خواب اول حساب می شود. (مسأله 1631)

تذکر: کسی که مس میت کرده یعنی جایی از بدن خود را به بدن میت رسانده می تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد و اگر در حال روزه هم میت را می نماید روزه او باطل نمی شود. (مسأله 1644)

8_ اماله کردن

اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد روزه را باطل می کند ولی استعمال شیافهایی که برای معالجه است اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که از استعمال شیافهایی که برای کیف کردن است مثل شیاف تریاک یا برای تغذیه از این مجری است خودداری نماید. (مسأله 1645)

قی کردن (استفراغ نمودن)

9_ قی کردن (استفراغ نمودن)

قی کردن :

1_ عمدأً: اگر چه به واسطهٔ مرض و مانند آن ناچار باشد (روزه اش باطل می شود).

2_ سهواً: اگر سهواً یا بی اختیار قی کند اشکال ندارد. (مسأله 1646)

3_ اگر در شب چیزی بخورد که می داند به واسطهٔ خوردن آن در روز بی اختیار قی می کند احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را قضا نماید. (مسأله 1647)

4_ اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد باید خودداری کند. (مسأله 1648)

5_ اگر سهواً چیزی را فرو برد و پیش از رسیدن به شکم یادش بیاید که روزه است چنانچه به قدری پایین رفته باشد که اگر آن را داخل شکم کند، خوردن نمی گویند. لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است. (مسأله 1650)

آروغ زدن:

1_ عمدي

1_1 يقين داشته باشد که اگر آروغ بزند چیزی از گلو بیرون می آید نباید عمداً آروغ بزند. (مسأله 1951)

2_1 يقين نداشته باشد که به واسطه آروغ زدن چیزی بیرون آید اشکال ندارد.

2_ غير عمد

اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید باید آنرا بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود روزه اش صحیح است. (مسأله 1652)

تذکر: اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید چنانچه عمداً فرو برد روزه اش باطل است و باید قضای آنرا بگیرد و کفاره هم بر او واجب می شود و اگر خوردن آن چیز حرام باشد مثلاً "موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده به دهان او بیاید و عمداً آنرا فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد و بنا بر احتیاط کفاره جمع هم بر او واجب می شود. (مسأله 1671)

اگر مگس در گلوی روزه دار برود:

— چنانچه به قدری پایین رود که به فرو بردن آن خوردن نمی گویند (لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است).

— و چنانچه به این مقدار پایین نرود (باید آن را بیرون آورد) اگرچه موجب شود که قی کند و روزه اش باطل شود و چنانچه فرو برد روزه اش باطل می شود و بنا بر احتیاط واجب باید کفاره جمع بدهد. (مسأله 1649)

ص: 113

احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند:

انجام دادن مبطلات به خاطر مجبور بودن:

1_ اگر زن، شوهر روزه دار خود را مجبور کند که جماع نماید یا کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد (واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد). (مسأله 1679)

2_ اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند بجا آورد (کفاره زن را نباید بدهد و بر خود زن هم کفاره واجب نیست). (مسأله 1682)

3_ زن یا شوهر مجبور به جماع شوند (در بخش جماع جبری بحث آن گذشت)

ص: 114

انجام هر یک از مبطلات روزه چند صورت دارد

1_ عمداً: اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد (روزه او باطل است)

2_ سهواً:

1_2 اگر سهواً انجام دهد (روزه باطل نمی شود) مگر شخص جنب که تا اذان صبح غسل نکند (به تفصیلی که در مسأله 1630 گفته شد). (مسأله 1653)

2_2 اگر سهواً انجام دهد و به خیال این که روزه اش باطل شده، عمداً دوباره یکی از آنها را بجای آورد (روزه او باطل می شود). (مسأله 1654)

3_ اجباراً:

1_3 اگر او را مجبور کنند که خودش روزه اش را باطل کند (مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی به تو می زنیم) و خودش برای جلوگیری از ضرر، چیزی بخورد (روزه اش باطل می شود).

2_3 اگر مجبور باشد به طوری که از اختیار او خارج باشد (مثل این که به زور در گلوی او چیزی بریزند یا سر او را به زور در آب فرو برند)، روزه او باطل نمی شود. (مسأله 1655)

4_ ندانستن مسأله :

1_4 اگر به واسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند چنانچه می توانسته مسأله را یاد بگیرد (بنابر احتیاط کفاره بر او واجب می شود). (مسأله 1659)

واجب میشود

2_4 اگر

1_2_4 • نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد.

2_2_4 • یا اصلاً ملتفت نبوده.

3_2_4 • یا یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمی کند (کفاره بر او واجب نیست).

توجه: روزه دار نباید جایی برود که می داند چیزی در گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند که خودش روزه خود را باطل کند اما اگر قصد رفتن کند و نرود یا بعد از رفتن چیزی به خوردش ندهند روزه او صحیح است و چنانچه از روی ناچاری کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد روزه او باطل می شود ولی اگر چیزی در گلویش بریزند باطل شدن روزه او محل اشکال است. (مسأله 1656)

کسی که کفاره روزه بر او واجب است باید:

• یک بنده آزاد کند.

• یا دو ماه روزه بگیرد.

• یا شصت فقیر را سیر کند (یا به هر کدام یک مُدّ طعام گندم یا جو و مانند اینها بدهد) و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد هر چند مد که می تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگرچه مثلاً یک مرتبه بگوید استغفر الله و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد. (مسأله 1660)

چند تذکر مهم درباره کفاره روزه و مسائل آن

1_ منظور از کفاره در این جا همین سه چیز است که ذکر شد و کسی که بر او واجب شده، هر کدام را که بخواند می تواند بدهد مگر در کفاره جمع که هر سه واجب می شود، و گاهی نیز منظور از کفاره، یک مد طعام و یا به ده فقیر طعام دادن است.

2_ یک بنده آزاد کردن در این زمان مورد ندارد و بنابراین ساقط است.

3_ یک مد طعام تقریباً ده سیر یعنی 750 گرم است.

4_ در مواردی که شصت فقیر را باید سیر کند یا یک مد طعام دهد، نمی تواند به جای طعام پول آن را بدهد.

5_ اگر عمداً روزه خود را باطل کند و بعد عذری مانند حیض برای او پیدا شود کفاره بر او واجب نیست.

6_ باید دانست که گاهی فقط قضای روزه واجب می شود و گاهی قضای روزه و یک کفاره، و گاهی قضای روزه و چند کفاره، و گاهی هم کفاره هست ولی قضای روزه واجب نمی باشد مثل کسی که در ماه رمضان کفاره ای بر او واجب شد و آخر ماه رمضان از دنیا رفت که این جا موردی برای قضا پیدا نمی شود یا مثلاً شخص مریضی که تا ماه رمضان بعد مریض باشد و نتواند قضای روزه ها را بگیرد که در این صورت فقط

کفاره یک مد طعام به عهده اوست و در آینده هم اگر چند سال مریض باشد غیر از رمضان آخر، بقیه رمضانها، قضا ندارد. که بحث آن بعداً خواهد آمد.

7_ انسان نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کند ولی لازم نیست فوراً آن را بجا آورد. (مسأله 1684)

8_ اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال آن را بجا نیاورد چیزی بر آن اضافه نمی شود. (مسأله 1685)

9_ اگر به شصت فقیر دسترسی ندارد، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مد طعام یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نماید ولی چنانچه انسان اطمینان داشته باشد که فقیر طعام را به عیالات خود می دهد یا به آنها میخوراند می تواند برای هر یک از عیالات فقیر اگرچه صغیر باشند یک مد به آن فقیر بدهد. (مسأله 8616)

10_ کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد می تواند کفاره چند روز را به یک فقیر بدهد. (مسأله 1708)

کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه بگیرد:

1_ باید 31 روزه آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه پی در پی نباشد اشکال ندارد. (مسأله 1661)

2_ نباید موقعی شروع کند که در بین 31 روز، روزی باشد که مانند عید قربان روزه آن حرام است. (مسأله 1662)

3_ اگر در بین 31 روز، بدون عذر یک روز، روزه نگیرد یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزه آن واجب است مثلاً به روزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد باید روزه ها را از سر بگیرد. (مسأله 1663)

4_ اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است برای او پیش آید بعد از برطرف شدن عذر واجب نیست روزه ها را از سر بگیرد بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عذر بجا آورد. (مسأله 1664)

کسانی که روزه ماه رمضان را نگرفته و یا روزه آنان اشکال داشته چند دسته اند:

1_ کسانی که عذر داشته اند

1_1 قضاى روزه واجب نیست.

2_1 باید قضاى روزه را بگیرند .

2_ کسانی که عذر نداشته اند و یا روزه آنان اشکال داشته

1_2 فقط قضاى روزه واجب است.

2_2 قضا و یک كفاره واجب است.

3_2 قضا و كفاره جمع واجب است.

4_2 قضا و یک مد طعام به عنوان كفاره واجب است.

مواردی که قضاى روزه واجب نیست (با وجود مبطل):

1_ اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان ببرد و بی اختیار فرورود یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرورود. (مسأله 1689)

2_ اگر به واسطه مرض یا حیض یا نفاس، روزه رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد لازم نیست برای او قضا کنند. (مسأله 1702)

3_ اگر بعد از تحقیق یقین کنند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده. مسأله (1692)

4_ اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد. (مسأله 1703)

ص: 118

تذکر: اگر مرض انسان چند سال طول بکشد بعد از آن که خوب شد اگر تا رمضان آینده به مقدار قضا وقت داشته باشد باید قضای رمضان آخر را بگیرد و هر روز از سالهای پیش یک مد طعام به فقیر بدهد. (مسأله 1707)

آب در دهان نمودن روزه دار در روز

1_ فرو ندادن (روزه باطل نیست).

2_ فرو دادن

2_1 عمداً و با اختیار (روزه باطل).

2_2 بی اختیار.

3_ برای خنک شدن آب در دهان نمودن (بی اختیار) 4_ بی جهت مضمضه (آب در دهان گرداندن) کند. : قضای آن روزه راجب است.

5_ برای وضو مضمضه کند. 6_ فراموش کند که روزه است. : قضای آن روزه واجب نیست. (مسأله 1688)

مسائل مضمضه

1_ مضمضه زیاد برای روزه دار مکروه است. (مسأله 1690)

2_ اگر بعد از مضمضه بخواهد آب دهان را فرو برد بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد.

3_ اگر بداند که به واسطه مضمضه بی اختیار یا از روی فراموشی آب وارد گلو می شود نباید مضمضه کند. (مسأله 1691)

ص: 119

افطار و سحر :

افطار: کسی که می تواند وقت را تشخیص دهد اگر به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است قضا و کفاره بر او واجب می شود. (مسأله 1673)

سحر: بعد از سحر و موقع اذان صبح اگر کاری بکند که روزه را باطل می کند اقسامی دارد که ذکر می شود.

اگر موقع اذان صبح کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد :

1_ بفهمد صبح شده و مشغول خوردن باشد.

1_1 باید لقمه را از دهان بیرون آورد.

2_1 اگر عمداً فرو برد (روزه اش باطل و کفاره نیز بر او واجب می شود) (مسأله 1574)

2_ بدون تحقیق از این که صبح شده یا نه و بعد معلوم شود صبح بوده (قضای آن روز واجب است).

3_ بعد از تحقیق :

3_1 با این که گمان دارد صبح شده و بعد معلوم شود صبح بوده (قضای آن روز واجب است) .

3_2 گمان یا یقین کند که صبح نشده و بعد معلوم شود صبح بوده

3_3 شک کند که صبح شده یا نه بعد معلوم شود صبح بوده .

قضا واجب نیست. (مسأله 1688)

4_ وکسی به انسان بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده است قضای آن روز واجب است.

ص: 120

- 1_ اگر به واسطه مرض روزه نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد (لازم نیست روزه‌هایی را که نگرفته برای او قضا کنند).
 - 2_ اگر مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و نمی تواند تحمل تشنگی کند یا برای او مشقت دارد (روزه بر او واجب نیست) (این مسأله بعداً می آید). (مسأله 1727)
 - 3_ (شخص مریض که عذر او غیر مریضی بوده) اگر در ماه رمضان غیر مرض عذر دیگری داشته باشد (مثل مسافرت) و بعد از رمضان، آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد (روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا کند). (مسأله 1702_1703)
 - 4_ و به واسطه مریضی روزه نگرفته
- 4_1 و چند سال طول بکشد (فقط رمضان آخر را باید قضا کند).
- 4_2 و بعد از رمضان مرض او برطرف شود (باید قضا کند)
- 4_3 و بعد از رمضان مرض او برطرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند روزه‌ها را قضا کند (باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا نماید).

مواردی که فقط قضای روزه واجب است (و کفاره ندارد):

مواردی که فقط قضای روزه واجب است (و کفاره ندارد):

- 1_ در شب ماه رمضان جنب باشد... و تا اذان صبح از خواب حتی خواب سوم بیدار نشود.
- 2_ عملی که روزه را باطل میکند بجا نیاورد ولی نیت روزه نکند یا ریا کند یا قصد کند که روزه نباشد.
- 3_ آن که در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد.
- 4_ آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده.
- 5_ آن که کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده است.
- 6_ آن که کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند یا خیال کند شوخی می کند و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده است.
- 7_ آن که کور و مانند آن به گفته کس دیگر افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده است.
- 8_ آن که در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده ولی اگر در هوای ابری به گمان این که مغرب شده افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده قضا لازم نیست.
- 9_ آن که برای خنک شدن یا بی جهت مضمضه کند یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرورود.
- 10_ روزه دار در روز ماه رمضان عمداً قی کند. (مسأله 1688)
- 11_ روزه ای که از انسان به واسطه مستی فوت شده باید قضا نماید. (مسأله 1696)
- 12_ اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد. روزه های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید. (مسأله 1695)

توجه: موارد دیگری مانند زن حائض، یا مسافر یا مریض نیز هست که باید قضای روزه هائی را که نگرفته اند بگیرند و از باب معلوم بودن دیگر ذکر نشد.

توجه اگر دیوانه عاقل شود یا کافر مسلمان شود: واجب نیست روزه های وقتی را که دیوانه یا کفر بوده قضا نماید. (مسائل 1694_1695)

شخص پیر

شخص پیر:

1_ اگر می تواند روزه بگیرد و برای او مقت ندارد. (باید روزه ها را بگیرد)

2_ اگر برای او مشقت دارد (واجب نیست بگیرد) ولی باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

3_ به واسطه پیری اصلاً نمی تواند روزه بگیرد (روزه واجب نیست).

1_3 بعد از رمضان هم نمی تواند.

2_3 بعد می تواند (بنابر احتیاط واجب باید قضای روزه ها را بگیرد). (مسأله 1725 و 1726)

ص: 123

کسانی که علاوه بر قضای روزه باید برای هر روز یک مد طعام نیز کفاره بدهند.

کسانی که علاوه بر قضای روزه باید برای هر روز یک مد طعام نیز کفاره بدهند:

- 1_ اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد (مسأله 1705)
- 2_ اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند. (مسأله 1706)
- 3_ اگر قضای روزه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد. (مسأله 1709)
- 4_ اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد و قضای آن را نیز تا رمضان بعد تأخیر اندازد (علاوه بر قضا و کفاره) باید یک مد طعام بدهد. (مسأله 1710)
- 5_ اگر مرض انسان چند سال طول بکشد (قبلاً گفته شد).
- 6_ اگر به واسطه پیری روزه برای او مشقت دارد (قبلاً گفته شد). (مسأله 1725)
- 7_ اگر مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و تحمل تشنگی برای او مشقت دارد. (مسأله 1727)
- 8_ زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد.
- 9_ زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد. (مسأله 17)
- 10_ زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه ضرر دارد.
- 11_ زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد. (مسأله 1729)
- 12_ مسافری که به خاطر مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه هایی را که نگرفته باید قضا کند و احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد. (مسأله 1703)

مواردی که یک کفاره واجب می شود

مواردی که یک کفاره واجب می شود:

- 1_ اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه کاری که روزه را باطل می کند (جماع و غیر جماع) انجام دهد برای همه آنها یک کفاره کافی است. (مسأله 1667)
- 2_ اگر روزه دار کاری که حلال است و روزه را باطل می کند انجام دهد (مثلاً آب بیاشامد) و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می کند انجام دهد (مثلاً غذای حرامی بخورد). (مسأله 1670)
- 3_ اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد چنانچه آن روز عمداً روزه خود را باطل کند. (مسأله 1672)
- 4_ کسی که می تواند وقت را تشخیص دهد اگر به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است قضا و کفاره بر او واجب می شود. (مسأله 1673)
- 5_ اگر به واسطه ندانستن مسأله، کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند (قبلاً گفته شد).
- 6_ اگر عمداً سر زیر آب ببرد (بنابر احتیاط واجب).
- 7_ اگر عمداً آماله کند (بنابر احتیاط واجب). (مسأله 1658)
- 8_ اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید و عمداً آن را فرو برد. (مسأله 1671)
- 9_ اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده باید لقمه را از دهان بیرون آورد چنانچه عمداً فرو برد روزه اش باطل است و کفاره هم بر او واجب می شود. (مسأله 1574)
- 10_ اگر انسان می داند که در صورت جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن، غذا و مانند اینها به حلق می رسد چنانچه فرورود (قبلاً ذکر شد).
- 11_ مسافری که پیش از خارج شدن از حد ترخص روزه خود را باطل کند (بنابر احتیاط واجب) بعداً ذکر می شود.

تذکر: در تمام موارد مذکور قضای روزه هم واجب است.

مواردی که کفاره جمع واجب می شود بنا بر احتیاط واجب

مواردی که کفاره جمع واجب می شود بنا بر احتیاط واجب:

1_ اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند.

1_1 چه به جهتی حرام شده باشد (مثل نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض)

2_1 چه آن چیز اصلاً حرام باشد (مثل شراب و زنا و...) (مسأله 1665)

2_ اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبر صلی الله علیه وآله نسبت دهد. (مسأله 1666)

3_ اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهان او بیاید که خوردن آن حرام است و عمداً آن را فرو برد. (مسأله 1671)

4_ اگر روزه دار جماع حرام کند و بعد با حلال خود جماع کند. (مسأله 1669)

اگر از چند ماه رمضان روزه قضا دارد

اگر از چند ماه رمضان روزه قضا دارد:

1_ اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد و در نیت تعیین نکند روزه ای را که می گیرد قضای کدام رمضان است قضای سال اول حساب می شود. (مسأله 1699)

2_ (اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد) مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد باید اول قضای رمضان آخر را بگیرد. (مسأله 1698)

3_ (اگر وقت وسعت دارد) قضای هر کدام را اول بگیرد مانعی ندارد.

توجه: اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر او برطرف شده می تواند مقدار کمتر را که احتمال می دهد روزه نگرفته قضا نماید. (مسأله 1697)

کسی که قضای روزه رمضان را گرفته و همین روزه قضا را باطل کند:

1_ پیش از ظهر: اگر وقت قضای روزه تنگ نباشد (می تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل کند). (مسأله 1700)

2_ اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد باید به ده فقیر، هر کدام یک مد طعام بدهد و اگر نمی تواند بنابر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد. (مسأله 1687)

توجه: اگر قضای روزه معینی را گرفته باشد، احتیاط واجب آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند. (مسأله 1701)

ص: 127

1_ مسافرت بکند

1_1 (پیش از ظهر) اگر پیش از ظهر مسافرت کند وقتی به حد ترخص برسد (یعنی به جایی که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان را نشنود) باید روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند بنا بر احتیاط کفاره نیز بر او واجب است. (مسأله 1721)

2_1 (بعد از ظهر) باید روزه خود را تمام کند.

2_ از سفر برگرد

1_2 (بعد از ظهر) نباید آن روز را روزه بگیرد. (مسأله 1723)

2_2 (پیش از ظهر) اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند. (مسأله 1722)

1_2_2 چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده (باید آن روز را روزه بگیرد)

2_2_2 و اگر انجام داده باشد (روزه آن روز واجب نیست)

احکام روزه مسافر :

1_ مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می خواند مثل کسی که شغلش مسافرت است یا سفر او معصیت است باید در سفر روزه بگیرد. (مسأله 1714)

2_ کسی که

1_2 فراموش کند که مسافر است.

2_2 یا فراموش کند که روزه مسافر باطل است و در سفر روزه بگیرد. (مسأله 1720)

روزه او باطل است.

2_3 نمی داند روزه مسافر باطل است اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد روزه اش باطل می شود. و اگر تا مغرب نفهمد روزه اش صحیح است. (مسأله 1719)

مسافرت و روزه نذری:

1_ اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند (نمی تواند آن را در سفر بجا آورد)

2_ نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد (باید آن را در سفر به جا آورد). (مسأله 1717)

3_ نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد روزه بگیرد (باید آن روز را اگرچه مسافر باشد روزه بگیرد).

ص: 129

اگر غیر روزه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد.

1_ بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند.

2_ و اگر در سفر باشد باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد می تواند در آن روز مسافرت نماید. (مسأله 1716)

تذکرات:

1_ مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است. (مسأله 1715)

2_ کسی که قبل از ظهر مسافرت می رود اولاً تا از حد ترخص خارج نشده (چنانچه گفته شد) حق ندارد روزه خود را باطل کند ثانیاً هنگامی که رفت مسافرت، اگرچه بدانند قبل از اذان ظهر به وطن می رسد می تواند در سفر کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد البته اگر بخواهد بعد از آمدن، تا ظهر بتواند نیت روزه کند باید کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد.

3_ کسی که بعد از ظهر مسافرت کند اگرچه نماز ظهر و عصر را بخواهد در سفر بخواند (که شکسته خواهد بود) روزه آن روز او صحیح است و نباید باطل کند و اگر روز بعد یا هر روز دیگر، قبل از ظهر از مسافرت برگردد و از اذان صبح تا آن موقع در آن روز کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد باید نیت روزه کند ولی اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد یا بعد از ظهر از مسافرت برگردد، روزه آن روز باطل است.

4_ فرق است بین کسی که شغلهش مسافرت است مانند راننده های بیابان، کشتیبان، و خلبان که روزه آنان تمام است و کسی که شغلهش در سفر است یعنی مسافرت شغل او نیست مانند کسی که از اصفهان جهت کار به ذوب آهن می رود.

5_ کسانی که نماز و روزه آنان در سفر تمام است عبارتند از:

5_1 کسی که در مسافرت قصد ده روز ماندن کرده و یا 31 روز مردد در سفر بماند.

5_2 کسی که سفرش معصیت باشد.

3_3 کسی که شغلهش مسافرت است.

آنچه برای روزه دار مکروه است.

1_ دوا ریختن به چشم و سرمه کشیدن (در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد).

2_ انجام دادن هر کاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضعف می شود.

3_ انقیه کشیدن (اگر نداند به حلق می رسد و اگر بداند به حلق می رسد جایز نیست).

4_ بو کردن گیاههای معطر.

5_ نشستن زن در آب .

6_ استعمال شیاف

7_ تر کردن لباسی که در بدن است.

8_ کشیدن دندان و هرکاری که به واسطه آن از دهان خون بیاید.

9_ مسواک کردن با چوب تر.

10_ بدون قصد بیرون آمدن منی، زن خود را بوسیدن یا کاری که شهوت خود را به حرکت آورد و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد در صورتی که منی بیرون آید روزه او باطل می شود. (مسأله 1657)

11_ مضمضه کردن زیاد (البته اگر بعد از مضمضه بنخواهد آب دهان را فرو برد بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد). (مسأله 1690)

توجه: مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند. (مسأله 1724)

ص: 131

شرایط وجوب زکات فطره

کسی که موقع غروب شب عید فطر:

1_ بالغ

2_ عاقل

3_ هشیار

4_ و فقیر و بنده کس دیگر نیست.

باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند هر نفری یک صاع (که تقریباً سه کیلو است) گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافی است. (مسأله 1991)

* مستحق یا فقیر کسی است که:

مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند. (مسأله 1992)

* فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحب خانه وارد شده و نان خور او حساب می شود بر او واجب است. (مسأله 1995)

ص: 132

1_ فقیر

2_ مسکین

3_ کسی که از طرف امام علیه السلام یا نایب امام مأمور جمع آوری و نگهداری زکات است.

4_ کافرهایی که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می شوند یا در جنگ، به مسلمانان کمک می کنند.

5_ خریداری بنده ها و آزاد کردن آنان

6_ بدهکاری که نمی تواند قرض خود را بدهد.

7_ سییل الله (یعنی کاری که مانند ساختن مسجد منفعت عمومی دینی دارد)

8_ ابن السبیل (یعنی مسافری که در سفر در مانده)

* اگر زکات فطره را به یکی از این هشت مصرف برسانند کافی است ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقرا شیعه بدهند.

(مسائل 1925 و 2014)

1_ نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السبلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما که امام علیه السبلام غایب است، مستحب می باشد. (مسأله 1516)

2_ وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر (مسأله 1517)

3_ نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سجده بجا آورد و بر خیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع برود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد. (مسأله 1519)

وقایع ماه مبارک رمضان

روز اول رحلت شیخ الرئيس ابو علی سینا

روز دوم بیعت به ولا یتعهدی علی بن موسی الرضا علیه السّلام

روز سوم رحلت فقیه عالی مقام مرحوم شیخ مفید

روز هفتم وفات حضرت ابوطالب (دهم بعثت)

روز نهم میلاد حضرت یحیی بن زکریا علیه السّلام

روز دهم وفات حضرت خدیجه علیها السّلام

روز دوازدهم روز ایجاد عقد مواخات بین مومنین از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

روز چهاردهم شهادت مختار ثقفی

روز پانزدهم ولادت امام حسن مجتبی علیه السّلام

روز شانزدهم شهادت مرحوم فقیه عالی مقام شهید ثانی

روز هفدهم غزوه بدر (سال دوم هجرت) و معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

روز نوزدهم ضربت خوردن حضرت علی علیه السّلام

روز بیستم فتح مکه (سال هشتم هجرت)

روز بیست و یکم شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام و وفات شیخ حرّ عاملی و شهادت یوشع بن نون

روز بیست و پنجم وفات فاضل هندی (صاحب کشف اللثام)

روز بیست و هفتم وفات مرحوم علامه مجلسی (محمدباقر فرزند محمد تقی)

روز بیست و نهم غزوه حنین

خدا حافظ

ای ماه عزیز

ای یار و قرینی که قدر و منزلتت بزرگ و فقدانت بسیار دردناک است. و ای مایهٔ امیدی که دوریت رنج آور است.

ص: 136

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

